



دبیرخانه هیأت مماییت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره  
(ویژه ی علوم انسانی و معارف دینی)

## طرحنامه ویژه ی کرسی های نظریه پردازی

رشته ی علمی طرحنامه: فلسفه علوم انسانی

عنوان نظریه: پارادایم شبکه ای (زیرساخت علم دینی)

نام صاحب نظر: شیخ عبدالحمید واسطی

دستگاه برگزار کننده: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

کرسی علمی متولی:

تاریخ تنظیم طرحنامه: اول ذی الحجه ۱۴۳۹ (۹۷/۵/۲۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- لطفا مشخصات خود را به اختصار در زیر مرقوم فرمایید.

نام و نام خانوادگی: عبدالحمید واسطی

دانشگاه:

سطح تحصیلات:

حوزه: سطح چهار رسمی

رشته‌ی تحصیلی و حوزه‌ی تخصص: فقه و اصول - روش‌شناسی علم دینی

عنوان طرح‌نامه کرسی: پارادایم شبکه‌ای (زیرساخت علم دینی)

دانشگاه/پژوهشگاه/حوزه و مؤسسه علمی محل عضویت: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مجله یا مجلات معتبر علمی که مقاله یا مقالات حاصل از تحقیق پیشتر در آنجا به چاپ رسیده است:

۱- واسطی، عبدالحمید و کاظمی‌مقدم، ایمان. «پارادایم شبکه‌ای در رویکردی تطبیقی با پارادایم‌های رایج علوم انسانی».

مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی ۱۳، ش ۳ (۱۳۹۶): ۱۷۹-۲۱۰.

۲- واسطی، عبدالحمید و کاظمی‌مقدم، ایمان. «پارادایم شبکه‌ای، دیدمان مطلوب آینده‌پژوهی برای طراحی الگوی اسلامی

ایرانی» مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۴

پست الکترونیک (Email) hvaseti@yahoo.com

۲- حداقل پنج تن از صاحب‌نظران و متخصصان در زمینه موضوع طرح‌نامه معرفی نمایید:

۱- حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه

۲- حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حمید پارسانیا

۳- حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سیدرضا حسنی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

۴- دکتر محمدتقی ایمان (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

۵- دکتر سیدمحمدتقی موحد ابطحی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

## خلاصه‌ی نظریه:

لطفاً خلاصه‌ی نظریه‌ی خود را در قالب چند گزاره‌ی روشن بیان فرمایید.

زمینه نظریه: از اوان مطرح شدن مساله «علم دینی» و «علوم انسانی اسلامی»، محققین علوم اسلامی و منتقدین، متمرکز بر کشف، ارائه و نقادی «دستگاه معرفتی مولد نظریات علمی مبتنی بر آموزه‌های دین» شدند. حجم تولیدات در این زمینه، در سطح طرح مبانی فعال شدند (مبانی هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، روش‌شناسانه، علم‌شناسانه، ارزش‌شناسانه، جامعه‌شناسانه، دین‌شناسانه)

توقف مباحث در این سطح و عدم ارائه آنها به صورت یک «دستگاه معرفتی استنتاجی» سبب شده است تا منتقدان مدعی شوند «علم دینی ممکن نیست» (ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۵) یا اینکه «پارادایم علم دینی هنوز تولید نشده است» (عبدالکریمی، بیژن، ۱۳۹۵)

در این مدت، در رویکرد تاسیسی به علم دینی، شش تلاش رو به جلو برای بسته‌بندی مبانی به صورت یک مدل معرفتی صورت گرفت:

۱- مدل ابتناء، آیت‌الله رشاد؛ ۲- مدل حکمی اجتهادی، حجت‌الاسلام خسروپناه؛ ۳- پارادایم اجتهاد دانش دینی،

حجت‌الاسلام حسنی؛ ۴- دیدگاه تجربی تاسیسی، دکتر خسرو باقری؛ ۵- رئالیسم مفهومی خلاقانه، دکتر محمدتقی

ایمان؛ ۶- روش استقرایی قیاسی نظریه سازی دینی، حجت‌الاسلام حسین بستان

عناصر این نظریه: نظریه پیشنهادی این قلم، سعی کرده است تا با استفاده از دو مسیر زحمات فوق را یک‌قدم به جلو ببرد و مبانی تولید علم دینی را در قالب:

۱. یک «دستگاه منطقی اصل موضوعی (آکسیوماتیک)».

۲. مبتنی بر «حکمت صدرایی».

۳. با تمرکز بر «شکل هستی»<sup>۱</sup> و «معادلات حرکت در هستی».

۴. با «زبان پارادایم‌ها» در فلسفه علم،

ارائه کند تا قابل مطالعه تطبیقی با پارادایم‌های رایج علوم انسانی باشد و روابط میان اصول موضوعه، قابل رویت و ارزیابی گردد و روش استنتاج قابل اجرا و اعتبارسنجی باشد.

مسیر اول: مبتنی بر رخدادهای صحنه دانش‌ورزی (social facts) بوده است که با تحلیل محتوای مطالب اندیشمندان که در حیطه علم دینی قلم زده یا سخن گفته‌اند<sup>۲</sup>، مبانی اندیشه آنها در محورهای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی،

<sup>۱</sup> نظام العالم

<sup>۲</sup> مدعیان مطرح علم دینی در فضای حوزوی کشور، موارد محصوره هستند: (۱۲ موسسه و ۲۵ شخص)

ارزش‌شناختی، جامعه‌شناختی، دین‌شناختی، ... بررسی شده، و تلاش شد تا هسته مرکزی ارتباط میان این محورها، به عنوان یک دال مرکزی کشف گردد؛ که نتیجه آن «آشکارسازی دال مرکزی شبکه‌ای بودن هستی، انسان و معرفت و روش» گردید.

مسیر دوم: مستقیماً مبتنی بر دستگاه فلسفی صدرایی بوده است که تلاش شد تا نظریات این دستگاه فلسفی در محورهای مورد نیاز برای شکل‌گیری یک پارادایم، بررسی شود<sup>۳</sup> و مانند مسیر اول، تلاش شد تا هسته مرکزی ارتباط میان این محورها، به عنوان یک دال مرکزی کشف گردد؛ که نتیجه آن «آشکارسازی دال مرکزی شبکه‌ای بودن هستی، انسان و معرفت و روش» گردید.

نام این دستگاه معرفتی استنتاجی، «پارادایم شبکه‌ای» گذاشته شد تا هم دال بر توجه به بسته لازم و کافی در زیرساخت‌های تولید دانش باشد و هم دال بر اینکه این بسته معرفتی، مبتنی بر شبکه هستی است.

**تعریف پارادایم شبکه‌ای** چنین است: «دستگاه معرفتی که مبانی و روش لازم برای توصیف، تبیین و تفسیر هر موضوع یا مسأله‌ای را در مقیاس کل شبکه هستی و ارتباطات درونی آن فراهم می‌کند و ناظر به کشف معادلات حرکت و تغییر در این شبکه است.»، یعنی هر توصیف<sup>۴</sup> و تجویزی<sup>۵</sup> هنگامی موجه و معتبر است که ابعاد موضوع و مسأله تحقیق، در مقیاس کل شبکه هستی، مورد تحلیل و ترکیب قرار گیرد و معادلات ارتباطی حاکم بر آن پدیده در کل هستی شناسایی گردد.

این بسته پارادایمی، به عنوان یک رقیب برای سه پارادایم رایج علوم انسانی (اثبات‌گرا، تفسیری، انتقادی)، و به‌عنوان یک دستگاه آکسیوماتیک برای تولید گزاره‌های علوم انسانی اسلامی، پیشنهاد می‌شود.

چنین دستگاهی استنتاجی، در هیچ جا ارائه نشده است.

نمونه عملیاتی خروجی گرفتن از این دستگاه استنتاجی، در انتهای همین طرح‌نامه در موضوع «عدل شبکه‌ای» ارائه شده است.

---

شهید صدر، آیت الله جوادی، آیت الله مصباح یزدی، آقای رشاد، آقای پارسانیا و آقای عابدی شاهرودی و واعظی (هویت معرفتی علم دینی)، آقای میرباقری (روش‌شناسی اسلامی)، آقای خسروپناه و آقای سوزنچی و حسنی (علوم انسانی اسلامی)، آقای بستان (جامعه‌شناسی اسلامی)، آقای میرمعزی (اقتصاد اسلامی)، آقای آذربایجانی (روانشناسی اسلامی)، آقای قوامی (مدیریت اسلامی)، آقای لکزایی (علوم سیاسی اسلامی)، آقای اراکی و آقای منذر حکیم و آقای شیخ جواد فاضل لنکرانی و آقای مبلغی (فقه النظام)، آقای اعرافی (فقه‌های مضاف)، آقای یزدان‌پناه (ظرفیت عرفان در تولید علوم انسانی اسلامی)، آقای عبدالهادی مسعودی و عباس پسندیده (ظرفیت علوم حدیث برای تولید علوم انسانی اسلامی).

موسسه امام خمینی قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه آقای رشاد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات، فرهنگستان علوم اسلامی آقای میرباقری، موسسه اسراء آیت‌الله جوادی موسسه فقهات و نظام‌سازی آیت‌الله اراکی، موسسه اشراق و عرفان آیت‌الله اعرافی، دارالحدیث قم، پژوهشگاه صدرا آقای غلامی، موسسه مطالعات راهبردی مشهد.

<sup>۳</sup> نمونه مستندات این تحلیل، در مقاله به ضمیمه با نام «ظرفیت‌های حکمت متعالیه در تولید علوم انسانی اسلامی» ارائه شده است.

Describe <sup>۴</sup>

Normative و Prescribe <sup>۵</sup>

لطفاً پاسخ پرسش‌های زیر را به صورت کامل و دقیق مرقوم فرمایید.

یک) لطفاً مسأله‌ی اصلی را که نظریه، معطوف به حل آن است تبیین فرمایید؟

دستگاه منطقی اصل موضوعی (آکسیوماتیک) برای تولید علم دینی چگونه است؟

دو) کلمات کلیدی نظریه را به اختصار ذکر و تعریف فرمائید

۱- علم دینی: مجموعه گزاره‌های توصیفی و لوازم عقلانی آنها که درباره یک موضوع، از منابع وحیانی (یا متصل به وحی)

استخراج شده‌اند و دارای انسجام و کفایت لازم برای حل نمونه مسأله‌های مرتبط با آن موضوع هستند.

۲- پارادایم؟ الگوی کلان معرفتی که یک نظام فکری و روش برای تولید نظریه‌ها در یک علم را ارائه کرده است.

۳- شبکه: مجموعه‌های بهم‌پیوسته منسجم که به صورت تعاملی و برآیندی عمل می‌کنند؛ و مقصود از «شبکه هستی» در

اینجا، مجموعه تعاملاتی است که در کل هستی میان موجودات در ابعاد و لایه‌های مختلف صورت می‌پذیرد.

۴- معادلات حرکت: توصیف علل اربع، عوارض تسعه و مقومات سته حرکت، در هر پدیده‌ای در شبکه هستی.<sup>۷</sup> (چه عاملی، چه

چیزی را از چه صورتی به چه صورت جدیدی تغییر می‌دهد و این تغییر از چه نقطه شروعی، در چه مراحل، با چه زمانی در

چه مکانی، با چه کمیت و کیفیتی، در چه زمینه و شرایطی، با چه اجزاء و روابطی، و اثرپذیری و اثرگذاری و به چه هدفی

انجام می‌شود؟)

۵- دال مرکزی: دال مرکزی اصطلاحی<sup>۸</sup> در منظومه گفتمانی است، اما در اینجا عاریه گرفته شده است برای «مولفه‌ای که

نیروی جاذبه آن، دیگر مولفه‌های درونی یک سیستم را به خود جذب می‌کند و به آنها معنا و هویت می‌بخشد.»

۶- دستگاه اصل موضوعی (آکسیوماتیک<sup>۹</sup>): مجموعه‌ای از گزاره‌های پذیرفته شده به‌عنوان «اصل» بعلاوه قاعده یا قواعدی

برای ترکیب آنها که منجر به تولید گزاره‌ای جدید (تنورم) شود. شرط عاری بودن از نقض: یعنی کلیه آگزیموم ها و تنورم ها

طوری باید باشند که یکدیگر را نقض نکنند. دستگاه‌های آکسیوماتیک شرایطی برای صحت انتاج دارند که عبارتست از:

شرط ناوابستگی: آگزیموم ها نباید به یکدیگر وابسته باشند بطوریکه یک آگزیموم خود از آگزیموم های دیگر استنتاج شده باشد.

شرط کفایت: تعداد آگزیموم ها باید برای استنتاج مورد نظر کافی باشند.

شرط بهبودگی: از یک نظام آگزیموم ماتیک نباید گفتارهایی اضافه بر آنچه برای استنتاج مورد نیاز است وجود داشته باشد،

بعلاوه هیچ گفتار اضافی که با دیگر گفتارها رابطه ای نداشته باشد بعنوان جزئی از این آگزیموماتیک پذیرفته نمی‌شود.

<sup>۶</sup> Paradigm

<sup>۷</sup> این اصطلاحات، با تعریف صدراپی از ماهیت و عوارض ماهوی ارائه شده است که به «حد الوجود» و «مراتب الوجود» برمی‌گردد.

<sup>۸</sup> Nodal Point

<sup>۹</sup> Axiomatic

سه) لطفا پیشینه‌ی تاریخی نظریه را در حد کافی تشریح فرمایید.

توجه به ضرورت نظریه‌پردازی در «چیستی چرایی و چگونگی علم دینی» سبب تولید فکر توسط افراد معاصری مانند نقیب العطاس، اسماعیل فاروقی، ضیاءالدین سردار، جابر العلوانی، مهدی گلشنی، خسرو باقری، عبدالحسین خسروپناه، آیت‌الله جوادی آملی، مهدی میرباقری، حسین بستان، حسین سوزنچی، سیدرضا حسنی، و... گردید.

ورود به فضای تشخیص چیستی و چرایی، سبب ورود به مبادی تصویری و تصدیقی و مبانی بحث گردید؛ و به تدریج مطالب ارائه شده در سرفصل‌هایی مانند مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی... شکل گرفت.

نام‌گذاری و احصاء این مبانی به صورت یک بسته علمی، توسط تامس کوهن، صورت گرفت و اصطلاح «پارادایم» در گفتگوهای این-چینی رایج شد.

اندیشمندانی که مدافع علم دینی بودند تلاش کردند تا با نقد پارادایم‌های حاکم بر علوم دنیای مدرن، «امکان علم دینی» را به اثبات برسانند؛ لذا مباحثی مانند نقد پارادایم اثبات‌گرا، پارادایم تفسیر تفهیمی، پارادایم انتقادی با زیرشاخه‌های آنها مطرح گردید.

پس از مدتی، ملموس شد که تا روابط میان این مبادی و مبانی و چگونگی استنتاج از آنها برای تولید گزاره جدید، عرضه نشود سطح مباحث در کلیات و تحلیل‌های مفهومی باقی خواهد ماند و مساله‌ای حل نخواهد شد، لذا تلاش برخی از اندیشمندان به سمت تولید مدل معرفتی سوق پیدا کرد. (مدل حکمی اجتهادی آقای خسروپناه، نظریه ابتناء آقای رشاد، پارادایم دانش اجتهاد دینی آقای حسنی، روش استقرائی قیاسی آقای بستان و رئالیسم مفهومی خلاقانه آقای ایمان)

اغلب این مدل‌ها، یک رتبه بعد از «پارادایم‌ها» بودند و در مباحث مقدماتی خود، گزاره‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه، معرفت-شناسانه، روش‌شناسانه و ارزش‌شناسانه خود را فهرست کرده بودند تا به مبادی و مبانی اشاره شده باشد. اما هیچکدام دالّ مرکزی‌ای را که سبب متمرکزسازی و منسجم‌سازی و دست‌یابی به نقطه شروع و مرکز ثقل برای ایجاد امتداد معرفتی است، معرفی نکردند یا به-اشاره و ضمنی عرضه کردند.

و در حال حاضر، به جز نظریه «پاد» و مدل «حکمی اجتهادی» که هر دو در حقیقت «پارادایم اجتهادی» هستند بسته پارادایمی دارای نام و نشان برای علم دینی وجود ندارد و این دو نیز هنوز به چگونگی امتدادگیری و کارآیی برای حل مساله‌ها نرسیده‌اند.

چهار) لطفا اصول و اجزاء نظریه (امهات مدعا) را به صورت فشرده و در قالب بندی مستقل مرقوم فرمایید.

متن نظریه: پارادایمی که مولفه‌هایش از سازه کلان شبکه‌وار هستی، اخذ شده باشد، پارادایم موجه، برای تولید علم دینی است.

توصیف کلی از نظریه:

براساس براهین ذکر شده در حکمت متعالیه، «هستی» به صورت یک نظام ذومراتب و بهم‌پیوسته است که تمام موجودات در آن ارتباط دو طرفه تعاملی با یکدیگر دارند و هر حرکتی در هستی، برآیند تمام این تعاملات است؛ و تمام هستی یک شبکه با مجاری از وحدت به «کثرت‌سازی» و از کثرات به «وحدت‌سازی» در حرکت هستند.

در این نظریه، دالّ مرکزی<sup>۱۰</sup>، «خصلت شبکه‌ای بودن هستی» است و در این فضا، می‌توان «انسان شبکه‌ای»، «علم و معرفت شبکه‌ای»، «روش شبکه‌ای»، «ارزش شبکه‌ای» تعریف کرد و ترکیب آنها را به صورت یک بسته معرفتی زیرساختی که توان حل مساله و تولید نظریه دارد ارائه کرد ← «بسته پارادایم شبکه‌ای» و براساس این بسته، می‌توان نظریه‌های راهنما تولید کرد مانند: «جامعه شبکه‌ای»، «تاریخ شبکه‌ای» «حرکت و رشد شبکه‌ای»، «اهداف و نیازهای شبکه‌ای»، «حق شبکه‌ای»، «عدل شبکه‌ای»، «دین شبکه‌ای»، «توسعه شبکه‌ای»، «روان‌شناسی شبکه‌ای»، «اقتصاد شبکه‌ای» و ... تعریف کرد و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای آنها تعیین کرد.

(تفصیل محورهای نظریه، در جدول پیوست ارائه شده است.)

#### ۵. اشتراکات و افتراقات نظریه با نظریه های رقیب و موجود:

اشتراکات این ایده با نظریه‌های رقیب، تلاش برای ارائه اصول موضوعه‌ای است که نظریه‌ها را جهت می‌دهند و به‌عنوان یک فرانظریه و چتر معرفتی در فضای خود عمل می‌کنند.

تمایزهای این نظریه نیز چنین است:

این نظریه، یک نظریه «شبکه‌گرا» و مبتنی بر محاسبه «معادلات حرکت در شبکه هستی» است لذا کلیه دیدگاه‌های زیر رقیب این نظریه محسوب می‌شوند: «پارادایم اثبات‌گرا، پارادایم تفسیری تفهومی، پارادایم انتقادی» و هم‌چنین کلیه تلاش‌های معرفتی برای توصیف، تفسیر و تبیین مبادی و مبانی علم دینی و علوم انسانی اسلامی، که به‌صورت یک دستگاه معرفتی استنتاجی عرضه نشده‌اند و دالّ مرکزی خود را تعیین نکرده‌اند، مانند: نظریه ابتناء، مدل حکمی اجتهادی، پارادایم دانش اجتهاد دینی، رئالیسم مفهومی خلاقانه

#### ۶. روش شما در دستیابی به نظریه:

**مرحله یک** - دغدغه تولید علم دینی و علوم انسانی اسلامی، و نیاز آن به مبانی و روش موجه، سبب توجه به منطق تولید علم گردید.

**مرحله دو** - منطق تولید علم، نیازمند تعریف یک دستگاه استنتاجی با اصول موضوعه منسجم و دارای کفایت لازم، به‌همراه روش استنتاج صحیح بود.

**مرحله سه** - در مباحث فلسفه علم که متکفل ارائه این منطق است، به‌جای مواجهه با دستگاه‌های استنتاجی، با سبدی از مباحث پیرامون هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، ارزش‌شناسی، ... مواجه بودیم که در فضای علوم انسانی مدرن، همگی دارای عدم انسجام درونی و عدم تطابق با محکّمات فلسفه و کلام اسلامی بودند. و در فضای قائلین به علم دینی نیز براساس فلسفه و کلام اسلامی مجموعه‌ای از گزاره‌های مرتبط با هر یک از محورهای فوق، ارائه شده بود و پُل‌های منطقی ارتباط میان محورها مفقود بودند یا به اشاره‌ای اکتفا شده بود.

---

<sup>۱۰</sup> دالّ مرکزی اصطلاحی در منظومه گفتمانی است، اما در اینجا عاریه گرفته شده است برای «مولفه‌ای که نیروی جاذبه آن، دیگر مولفه‌های درونی یک سیستم را به خود جذب می‌کند و به آنها معنا و هویت می‌بخشد.»

**مرحله چهار** – مواجهه با این مساله که: چه حقیقتی و چه مفهومی، حلقه وصل میان تمام این محورهاست و می‌تواند سرپل ارتباطی با حکمت عملی که در علوم انسانی مورد نیاز است نیز باشد.

**مرحله پنجم** – تلاش برای یافتن این حلقه وصل در فلسفه صدرایی و عرفان اسلامی و رسیدن به بحث «شبکه هستی و نظام العالم» و کیفیت به‌وحدت رساندن کثرات و ارتباط عوالم با یکدیگر.

**مرحله ششم** – بازتعریف مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، ارزش‌شناسی، ... براساس «روابط در شبکه هستی»

**مرحله هفتم** – تجمیع مبانی فوق، به‌صورتی که یک دستگاه منطقی اصل موضوعی شکل بگیرد.

**مرحله هشتم** – ارائه تطبیقی این بسته معرفتی، به زبان پارادایم‌ها در فلسفه علم رایج، به هدف شکل‌گیری تفاهم

## ۷. کارکردها و دستاورد نظریه (آثار علمی و کاربردی مترتب بر آن):

۱. در ابتدای طرح بیان شد که مخالفین علم دینی مدعی هستند هنوز پارادایم علم دینی تولید نشده است، نظریه پارادایم شبکه‌ای می‌تواند به عنوان یک بسته رسمی مطرح شود که حائز همه محتوا و امتیازات دیدگاه‌های تاسیسی تهذیبی در علم دینی است و با زبان و عیار رایج در فلسفه علم ارائه شده است و دارای یک دال مرکزی واضح و دارای یک مفصل اصلی برای تمام ارتباطات و قابل بررسی تطبیقی با دیگر پارادایم‌های رایج است.

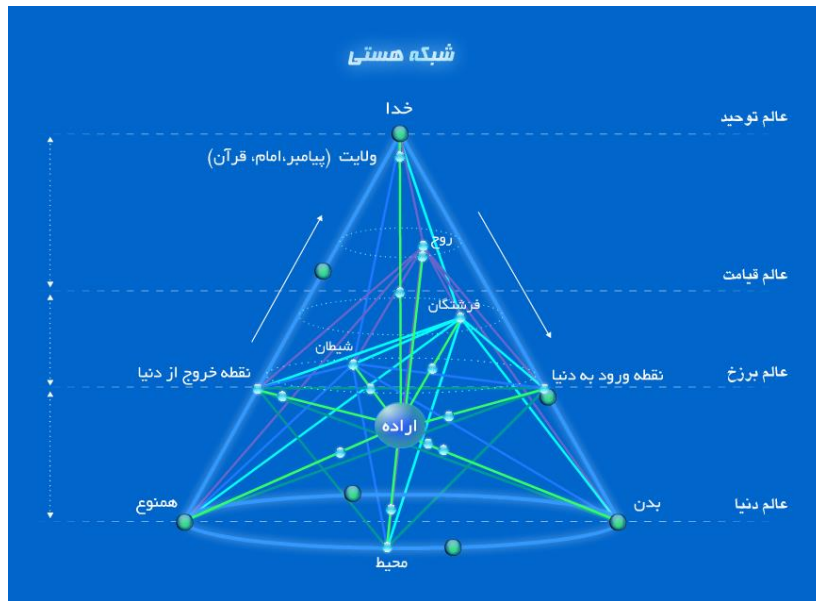
۲. این نظریه، در دست‌یابی به چگونگی تولید «نظریه‌های راهنما»<sup>۱۱</sup> و کشف فرآیندهای لازم برای کاربردی کردن معارف بنیادین (توانایی برای حل مساله)، توانایی خوبی دارد که ده نمونه از آن به‌عنوان شاهد عینی، در مقاله «ظرفیت‌های حکمت متعالیه در تولید علوم انسانی اسلامی» که به ضمیمه است ارائه شده است.

## ۸. توضیح اجمالی ادله و شواهد نظریه:

براساس براهین ذکر شده در حکمت متعالیه، «هستی» به‌صورت یک نظام ذومراتب و بهم‌پیوسته است که تمام موجودات در آن ارتباط دو طرفه تعاملی با یکدیگر دارند و هر حرکتی در هستی، برآیند تمام این تعاملات است (نظام علی بدون تجافی و خلل)؛ و تمام هستی یک شبکه با مجاری از وحدت به «کثرت‌سازی» و از کثرات به «وحدت‌سازی» در حرکت هستند. (خصلت شبکه‌ای بودن هستی)

<sup>۱۱</sup> Guide Theory نظریاتی که سبب تولید رویکردها و جهت‌دهی و شکل‌گیری مسائل یک علم می‌شوند.





در این شبکه، تبدیل مستمر قوه به فعل صورت می‌گیرد و وحدت اتصالی هر پدیده در عین قابلیت اشتداد وجودی، سبب شده است تا پدیده‌ها دارای مراتب، ابعاد، لایه‌ها بشوند در عین اینکه تمام این مراتب با هم منسجم هستند ولی نمود و ظهور مختلف دارند. **(خصلت ذو ابعاد بودن واقعیت‌ها در شبکه هستی)**

شبکه هستی با تمام مراتبش، در حرکت به سوی «وجود بینهایت» است.<sup>۱۲</sup> **(خصلت صرف‌الوجودی و عدم تعین در اصل-الوجود)** و این بینهایت، مطلوبیت ذاتی دارد و منشاء پیدایش «باید نخستین» و شکل‌گیری ارزش‌ها می‌شود. انسان و مراتب وجودی او تحت همین خصلت شبکه‌ای بودن و ذو مراتب بودن قرار دارد و علم و آگاهی او برقراری اتحاد وجودی با مرتبه‌ای از «معلوم» است و قابلیت گسترش تا بینهایت را دارد. **(خصلت قابلیت کشف از واقعیت‌ها و گسترش آن تا دستیابی به اصل آن واقعیت)**

گسترش‌ها، حرکت و تغییر هستند و تحت قوانین تبدیل قوه به فعل قرار دارند و دارای علل، مقومات و عوارض هستند، که تعیین این علل، مقومات و عوارض، سبب تمیز می‌شود و التَّمیُّزُ یوجب الاستعدادَ للتَّشخُّصِ. **(خصلت نیاز به معادله حرکت)** روش‌ها، تعیین چگونگی انجام یک کار (تنظیم یک حرکت، یک تغییر) هستند و تحت علل، مقومات و عوارض مذکور در فوق (معادله حرکت) قرار دارند و فقط با تعریف آنها می‌توان به واقعیت دست یافت و چون واقعیت شبکه‌ای است لذا باید این چگونگی در مقیاس شبکه هستی محاسبه و تعریف شود. **(خصلت نیاز به روش شبکه‌ای)**

**نتیجه ۱)** علوم انسانی و نظریه‌های آن، که توصیف ابعاد وجودی انسان و قوای او، و توصیف و تجویز در چگونگی تنظیم این قوا برای دستیابی به رشد است؛ براساس خصلت نیاز هر حرکتی به تعریف معادله حرکت، در صورتی موجّه و واقع‌نما خواهند بود که از روش تعریف معادلات حرکت در شبکه هستی پیروی کنند. و چون دست علم بشر از مولفه‌های غیرمادی در هستی، و برخی ابعاد در مولفه‌های مادی کوتاه است نمی‌تواند ماموریت علوم انسانی را به سرانجام برساند.

<sup>۱۲</sup> بنابر دیدگاهی که حرکت در مجردات را معقول می‌داند.

**نتیجه ۲)** دین، که علم ابراز شده خداوند به بشر است و به هدف رشد او برای اتصال به بینهایت (خداوند) آمده است، احاطه لازم بر مولفه‌های موثر در حرکت انسان را دارد لکن براساس شبکه‌ای و برآیندی بودن هر حرکتی در هستی، تا برای تمام عواملی که تاثیر معنادار در جهت‌گیری ذهنی، روحی و رفتاری انسان دارند، تعیین جهت نکند نمی‌تواند ماموریت هدایتی خود را به سرانجام برساند، لذا در علوم انسانی باید راهبری داشته باشد. (خصلت حداکثری بودن قلمرو دین)

**نتیجه نهایی:** با نگرش شبکه‌ای به دین و گزاره‌های دین، و استفاده از روش شبکه‌ای برای فهم آنها در مقیاس کلان هستی، می‌توان معادله حرکت‌های انسان برای دستیابی به رشد را تعیین کرد. (تولید علم دینی و علوم انسانی اسلامی)

(تفصیلی از این محورها در ضمیمه ارائه شده است)

#### ۹. مختصات کتاب یا مقاله که نظریه در آن توضیح داده شده است:

۱. کتاب «نگرش سیستمی به دین»، عبدالحمید واسطی، انتشارات موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد ۱۳۹۰
۲. کتاب «درس‌نامه پارادایم شبکه‌ای»، تدوین و جمع‌آوری توسط محمدحسین گلکار، انتشارات موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد ۱۳۹۵
۳. مقاله «ظرفیت‌های حکمت متعالیه در تولید علوم انسانی اسلامی»، عبدالحمید واسطی، نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا، تابستان ۹۵، شماره ۱۸
۴. مقاله «عدل شبکه‌ای»، عبدالحمید واسطی، که توسط هیات کرسی‌های به‌عنوان یک نوآوری پذیرفته شد. (اردیبهشت ۹۶)

#### ۱۰. ارجاعات دیگران به نظریه (با ذکر نشانی موارد):

۱. مقاله «پارادایم شبکه‌ای در رویکردی تطبیقی با پارادایم‌های رایج علوم انسانی»، ایمان کاظمی‌مقدم، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، پاییز ۱۳۹۶، دوره سوم، شماره یک، از ص ۱۷۹ تا ۲۱۰
۲. مقاله «کارکرد مبانی پارادایم شبکه‌ای در زیرساخت‌ها و عرصه‌های تمدنی»، سیدمصطفی حسینی، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت؛ اردیبهشت ماه ۹۵
۳. پایان‌نامه دکتری با عنوان «پارادایم شبکه‌ای در مقایسه با پارادایم اثبات‌گرایی»، عبدالله صادقی، رشته فلسفه اسلامی، جامعه المصطفی، سال ۹۶
۴. پایان‌نامه دکتری با عنوان «مبانی انسان‌شناختی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، سعید وکیلی، رشته مدیریت استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع، سال ۹۶

### ۱۱. چکیده نظریه در ۱۰۰ کلمه به همراه واژگان کلیدی:

تولید علم دینی و علوم انسانی اسلامی، نیازمند تعریف یک دستگاه معرفتی استنتاجی است که بتواند با دریافت داده‌های توصیفی از منابع دینی، نظریه‌ها را که بیانگر رابطه معنادار میان مولفه‌های مختلف هستند با روش موجه تولید کند. پارادایم شبکه‌ای تلاشی برای ارائه نظام‌مند اصول موضوعه و روش استنتاج لازم برای شکل‌گیری این دستگاه معرفتی است.

**قلب این دستگاه معرفتی، «خصلت شبکه‌ای بودن هستی» است که از آن، هستی‌شناسی شبکه‌ای، انسان‌شناسی شبکه‌ای، معرفت‌شناسی شبکه‌ای، روش‌شناسی شبکه‌ای، ارزش‌شناسی شبکه‌ای، جامعه و تاریخ‌شناسی شبکه‌ای و دین‌شناسی شبکه‌ای استخراج شده است که اثر این پسوند «شبکه‌ای» در هر کدام از موارد فوق، در «لزوم تشخیص و تعیین معادله حرکت در مقیاس کلان هستی در توصیف‌ها و تجویزها» در آن حیطة معرفتی است.**

«معادله حرکت»، حلقه مفقوده میان مبانی نظری و مدل‌ها (تابع تبدیل‌های ورودی به خروجی) را تامین کرده است؛ مثلاً ابعاد و مراتب انسان در شبکه هستی و مقصد حرکت او، تولیدکننده «مدل نیازها» براساس دیدگاه شبکه‌ای است، یا تعیین نسبت میان نیازهای شبکه‌ای و امکانات شبکه‌ای به‌طوری‌که منجر به رشد در مقیاس شبکه هستی شود، تولیدکننده «عدل شبکه‌ای» است.

### واژگان کلیدی:

شبکه هستی، انسان شبکه‌ای، معادله حرکت، دستگاه منطقی آکسیوماتیک، پارادایم شبکه‌ای

### ۱۴. نکات تکمیلی:

الف- گزاره‌های جدول زیر، تبیین عناصر پارادایم شبکه‌ای هستند:

مفهوم مرکزی	اصل موضوعی	ردیف
شبکه وجودی گسترش یافته از وحدت بی‌نهایت (خداوند) به کثرت (مخلوقات)، بهم‌پیوسته، دارای مراتب تشکیکی و حرکت از قوه به فعل و نظام علت‌ومعلولی جهان، دارای ساختار و فرآیندهای ثابت ولی طیف‌دار و فازی است. ساختارها و قوانین طبیعی، زیرساخت‌های حرکت موجودات و تعیین‌کننده معادلات حرکت آنها هستند.	هستی‌شناسانه	۱
روش‌های سه‌گانه مشاهده تجربی، برهان عقلی، شهود قلبی، قابلیت برای کشف ابعادی از واقعیت شبکه‌ای را دارند. ترکیب روش‌های کمی، کیفی به بهینه‌سازی فرآیند تحقیق کمک می‌کند. ترکیب روش استقرایی و قیاسی به بهینه‌سازی فرآیند تحقیق کمک می‌کند. رویکرد میان‌رشته‌ای به بهینه‌سازی فرآیند تحقیق کمک می‌کند. روش تحقیق شبکه‌ای که شش مرحله برای کشف واقعیت‌ها دارد بیشترین تقرب را به واقعیت ایجاد می‌کند.	روش‌شناسانه	۲
معرفت = باور صادق موجه واقعیت، قابل دسترسی ذهنی است، ثابت است، شبکه‌ای است و در عین حال قابلیت تغییر دارد، مرکب و دارای ابعاد و سطوح و مراتب است. (مبنای گروهی + رئالیسم شبکه‌ای) واقعیت‌های بنیادین قابل کشف برای همگان و مشترک میان آنها وجود دارد.	معرفت‌شناسانه	۳

<p>ادراکات انسان بر پایه بدیهیات و علم حضوری، براساس ساختار و قانون مشخص ذهنی، گسترش پیدا می‌کنند و این گسترش قابل ردیابی است.</p> <p>معرفت‌های بنیادین بدیهی و برهان و محصولات برهانی اعتبار معرفتی دارند و کاشف از واقع هستند.</p> <p>معیار صدق، مطابقت با واقعیت شبکه‌ای و انسجام درونی است.</p> <p>تحلیل نظریه‌ها در دستگاه ارزیابی مبتنی بر روش اعتبارسنجی شبکه‌ای، صورت می‌پذیرد.</p>		
<p>علم = تک گزاره یا مجموعه گزاره‌هایی که توصیف یا تبیین موجّه از واقعیت را ارائه می‌کنند.</p> <p>علوم تجربی = توصیف و تبیین پدیده‌های محسوس برای دستیابی به قدرت کنترل آنها</p> <p>علوم انسانی = توصیف و تبیین ابعاد مختلف رفتار انسانی برای دستیابی به پیش‌بینی و کنترل آنها</p> <p>علم دینی = گزارش روشمند و نظام‌مند از توصیف و تبیین دین نسبت به پدیده‌های هستی و انسانی در مقیاس شبکه هستی</p> <p>علوم انسانی، عینی و ناظر به واقع هستند.</p> <p>تولید علم براساس روش تجربه و برهان و شهود انجام‌پذیر است.</p> <p>علم دینی، متن محور است و براساس روش فهم شبکه‌ای قابل دست‌یابی است.</p>	<p>علم‌شناسانه</p>	<p>۴</p>
<p>انسان = موجود متفکر با قابلیت عبور از محدودیت‌ها و اتصال به بی‌نهایت (حیّ متّالّه)</p> <p>انسان، در شبکه هستی، معنادار است.</p> <p>انسان، قدرت حرکت در شبکه هستی را دارد. (اختیار دارد)</p> <p>برای هر حرکتی، نیازمند تنظیم ابعاد و سطوح خود با دیگر موجودات در شبکه هستی است. (مقید به ساختار و قوانین است و اختیار محض ندارد).</p> <p>انسان موجودی است با ظرفیت منطقی بودن و خیرطلبی، به‌همراه ظرفیت هواپرستی و شرّسانی.</p> <p>انسان قدرت ایجاد تغییر در امور و حوادث و نتایج را در محدوده ساختارهای قابل انعطاف هستی دارد.</p> <p>انسان وجدان دارد و حقیقی بودن و خیر بودن برخی امور برای او قابل انکار درونی نیست و به‌همین دلیل نمی‌تواند به فضای «نسبیّت مطلق» تکیه کند.</p> <p>انسان براساس محاسبه نفع و ضرر تصمیم‌گیری می‌کند.</p> <p>این نفع‌و ضرر فقط منحصر در عالم حسی فردی او نیست و برآیند نفع‌و ضرر در کل شبکه هستی در امتداد ابدیت باید محاسبه شود.</p>	<p>انسان‌شناسانه</p>	<p>۵</p>
<p>جامعه یعنی هم‌زیستی تعدادی از خانواده‌ها یا افراد که منجر به شکل‌گیری تعاملات حقوقی، مالی، انضباطی و مدیریتی، فرهنگی و ارزشی شود.</p> <p>شکل‌گیری جامعه تابعی از شکل‌گیری ساختارهای ارتباطی است.</p> <p>جامعه دارای ماهیت مستقل از افرادش نیست اما دارای هویت مستقل منتزع از افرادش می‌باشد و به‌همین دلیل ارزش افزوده بر هویت فردی افراد دارد و سبب ایجاد تغییر و تحول در زندگی افراد می‌شود، لذا با متغیر «جامعه» و «هویت جمعی» باید مانند یک متغیر واقعی رفتار کرد و در کشف قوانین و قواعد و ساختارهایش کوشید. (قانونمندی جامعه)</p> <p>در ارتباط میان اصالت فرد و اصالت جمع، قاعده اولیه «اصالت فرد در ضمن شبکه هستی» است.</p> <p>یعنی هر فردی حق دارد هر چه می‌خواهد اعمال کند به شرطی که ابدیتش، روحش، محیط و دیگران ضرر نکنند.</p> <p>در تعارض میان اصالت فرد و جمع، در صورتی که بقاء جمع متوقف بر از بین رفتن فرد باشد، اصالت</p>	<p>جامعه‌شناسانه</p>	<p>۶</p>

		با جمع است.
۷	تاریخ‌شناسانه	تاریخ مانند جامعه دارای ماهیت مستقل از جوامع و افراد نیست اما دارای ماهیت مستقل منتزع از افرادش می‌باشد و بر همین اساس دارای قانونمندی است و این قانونمندی در مقیاس شبکه هستی معنادار است. (قانونمندی تاریخ = وجود قوانین پایه در ساختار زندگی انسان که فارغ از بُعد زمانی و مکانی، بر جوامع انسانی حاکم است.)
۸	آینده‌شناسانه	آینده به‌مانند گذشته براساس قواعد و معادلات حاکم بر ساختار خلقت و انسان، قانونمند است. تمام ساختارهای خلقت و انسان و ظرفیت‌های او هنوز شناخته نشده‌اند. آیندهٔ محتمل قابل کشف است و برای آن باید در مقیاس شبکه هستی برنامه‌ریزی کرد. آیندهٔ محتمل قابل تغییر است و برای آن باید روندسازی کرد.
۹	ارزش‌شناسانه	ارزش‌ها اعتباری هستند ولی صرفاً قرارداد و اعتبار و توافق افراد با یکدیگر نیستند، بلکه دارای منشاء انتزاع حقیقی می‌باشند و تمام قواعد و قوانین حاکم بر منشاء انتزاعشان بر آنها که در ضمن شبکه هستی قرار دارند نیز حاکم است. گزاره‌های توصیفی که بیانگر دانش‌ها هستند با ضمیمهٔ یک گزارهٔ توصیف‌کنندهٔ یک ضرورت بنیادین در ساختار خلقت یا ساختار انسان، به گزاره‌های توصیه‌ای که بیانگر ارزش‌ها هستند منتهی می‌شوند. در مقام کشف حقایق، ارزش‌های خاص افراد نباید دخیل باشند. اما ارزش‌های عام یا بنیادین و ساختاری، بنابه ضرورت ساختاری دخیل هستند و این ارزش‌های عام براساس مقیاس شبکه هستی تولید می‌شوند.
۱۰	دین‌شناسانه	دین، مجموعه گزاره‌های توصیفی و توصیه‌ای است که دارای منشاء وحیانی است و خطاب به بشر برای زندگی بشر ارائه شده است. زبان دین، واقع‌گراست و توصیف‌های او کاشف از حقایق شبکه هستی می‌باشند و توصیه‌های او دارای منشاء انتزاع حقیقی هستند. زبان دین چند لایه است و مراتب متعددی از معنای مطابق با واقع را در بر دارد. دین به‌صورت حداکثری، نسبت به تمام شؤون زندگی انسان حساسیت نشان داده است و نظر داده است. دین، مجموعه‌یی از عناصر و گزاره‌های بهم‌پیوسته و نظام‌مند است و منطبق با قواعد شبکه هستی. این عناصر و اجزاء، تابع اهداف دین هستند و هدف‌گرایی دین، به این عناصر شکل می‌دهد و ساختار ارتباطی آنها با یکدیگر را تعیین می‌کند. اتحاد مبدء پیدایش دین با مبدء پیدایش هستی، پل ارتباطی دین با واقعیت‌هاست و بر این اساس، برنامه‌های دین جلوه‌هایی از معادلات واقعی است و برنامه‌های دین، مدل کردن واقعیت‌ها است. دین، اهداف و برنامه‌های خود را اولویت‌بندی می‌کند. دین، برای تعامل با عناصر محیطی خود برنامه دارد. دین، برای شکل‌دهی به عناصر محیطی خود برنامه دارد و آرمان‌ها و هنجارها را در چهارچوب اهداف خود تغییر و تحول می‌بخشد. دین از تضاعف نیروبخشی برای حرکت به سمت هدف برخوردار است. فهم دین ممکن و ضابطه‌مند است و رویکرد اکتشافی دارد. (کشف مراد شارع)

فهم دین، بشری و خطاپذیر و قابل اصلاح و ارتقاء است. نتایج فهم روشمند دین، قابل استناد به دین است. (استناد مشروط به اینکه مخاطب بدانند این استناد، استناد علمی است (حجیت)، نه استناد واقعی وجودی) شناخت دین از طریق تحلیل گزاره‌های نگرشی، راهبردی و راهکاری ممکن است. یافته‌های قطعی عقل و تجربه بشری، مورد تایید دین هستند اما دینی نیستند (مُبَرَز فعل تکوینی الهی و علم الهی در آنها، وحی نیست). برنامه‌های دین، قابلیت خود تنظیمی دارد؛ تعادل‌گرا و تکاملی است. برنامه‌های دین، در فرآیندی پیوسته و مستمر و تدریجی تحقق می‌یابند. هویت و برنامه‌های دین را می‌توان از منظر "محرک\_ پاسخ" مطالعه کرد. دین دارای شبکه عصبی منسجم و در تحت مدیریت اهداف است که نسبت به محرک‌ها واکنش نشان می‌دهد. گزاره‌های دین را باید در عرصه اهداف و اولویت‌های آن بررسی کرد. سیستم دین از سه خُرده سیستم نگرشی، قانونی و فرهنگی تشکیل شده است. این خُرده سیستم‌ها، مسئولیت تقسیم کار و فعالیت‌ها را در سیستم اصلی به‌عهده دارند. بخش استراتژیک هر سیستمی از سه مولفه: تعادل حیاتی، میدان‌های نیرو و برآیند برداری تشکیل می‌شود. تعادل حیاتی، نقطه ثقلی است که مجموعه سیستم خود را براساس آن متعادل می‌کند و محیط درونی خود را ثبات می‌بخشد و بین نیروهای درونی و بیرونی موازنه برقرار می‌کند. میدان نیرو، صافی کلیه ارتباطات در راستای تحقق اهداف است که نیروهای سوق‌دهنده و بازدارنده را فعال می‌کند. برآیند برداری، ابزار اندازه‌گیری نیروها و عوامل علی و محرک‌های سیستم هستند. در این تحلیل، سطوح تعامل عوامل با یکدیگر مشخص می‌شود. در سیستم دین نیز این سه مولفه به‌وضوح وجود دارند: تعادل حیاتی در دین، طیف اهداف دین است که نقطه ثقل فازی بی است که مجموعه گزاره‌های دین را منسجم و متعادل کرده و موازنه‌های لازم بین محرک‌ها و پاسخ‌ها را ایجاد می‌نماید. میدان‌های نیرو در دین، حداقل‌ها و حداکثرهایی است که در موضوعات مختلف توسط دین تعیین شده است. این حداقل و حداکثرها، مرزها و حدودی هستند که به‌عنوان صافی جهت‌دهنده به کلیه ارتباطات میان گزاره‌یی در عرصه دین و صافی فعالیت‌ها در عرصه دین‌داری عمل می‌کنند. برآیند برداری در دین، گزاره‌هایی هستند که سطوح و لایه‌ها و معادلات کلی را بیان می‌کنند و رابطه بین آنها را تبیین می‌نمایند. این گزاره‌ها توسط علم "قواعد فقه" و علم "اصول فقه" به تفصیل تعریف و توصیف شده‌اند.

ب- براساس اصول موضوعه فوق، می‌توان جدول عناصر هشت‌گانه پارادایمی که در فضای فلسفه علم مطرح است را به‌صورت تطبیقی ارائه کرد:

شبکه‌ای	انتقادی	تفسیرگرایی	اثبات‌گرایی	عناصر پارادایم	ردیف
جهانی فارغ از اذهان بشری وجود دارد و ساختارهای پایه ثابت و شبکه‌ای دارد و روابط علی معلولی	واقعیت، قواعد تولید و تغییر ساختارهای اجتماعی است که باید کشف شوند و	جهانی فارغ از برآیند اذهان بشری نداریم و مدام توسط اذهان خلق می‌شود و ذهن هر کسی جهان	دنیای مادی غیروابسته به ذهنیت افراد است و روابط علی معلولی ثابت دارد و زندگی	ماهیت واقعیت	۱

در آن به صورت فازی جاری است.	انسان‌ها نیز در تولید و تغییر آن نقش اصلی را دارند	اوست.	انسان را مدیریت می‌کند.		
موجودی که در ساختار و قوانین شبکه هستی قرار دارد و به دلیل فازی بودن این شبکه، می‌تواند تغییراتی مثبت یا منفی در خود، محیط و جامعه ایجاد کند.	موجود اجتماعی که قدرت تغییر قوانین محیطی را دارد و جامعه‌سازی می‌کند	موجودی که جهان خود را مدام خلق می‌کند و تحت تاثیر جبر محیطی قرار ندارد.	موجودی لذت‌جو و عقلانی که مانند اشیاء تحت کنترل نیروهای طبیعی است.	ماهیت انسان	۱
الگویی که محصول ساختار فازی شبکه هستی و تعامل انسانها در این ساختار قابل کشف است	محصول تضاد بسط یافته و هدایت شده توسط ساختارهای بنیادین پنهان	تعریف های سیال موقعیت که محصول تعامل انسان‌ها هستند	نظم یا الگوهای ثابت از پیش موجود که قابل کشف اند	ماهیت اجتماع	۲
عرف که دارای معادلات و قوانین نهفته ولی دقیق است و قابل اعتبارسنجی است.	باورهای نادرستی که قدرت و شرایط عینی را پنهان می‌سازند	نظریه های قدرتمند روزمره که مردم عادی آنها را به کار می‌برند و زندگی خود را می‌سازند.	کاملاً متمایز از علم و بدون اعتبار مگر بعد از آزمون تجربی	نقش شعور عامیانه	۳
واقع‌گرایی و ایجاد تغییر مثبت در زندگی جمعی انسانها با کشف قوانین حاکم بر طبیعت انسان و اجتماع در مقیاس شبکه هستی	محو تخیلات ذهنی و قادر ساختن مردم به ایجاد تغییرات رادیکال در جامعه با کنش‌های اجتماعی	فهم و توصیف کنش اجتماعی معنادار	کشف قوانین طبیعی و در نتیجه امکان پیش‌بینی و کنترل پدیده‌ها	دلیل انجام تحقیق	۴
ارائه ارتباط منطقی با پدیده، تحت قوانین طبیعی - انسانی - اجتماعی که در مقیاس شبکه هستی معنادار هستند.	ابزار مورد نیاز برای تغییر جهان در اختیار مردم قرار می‌دهد	در نظر افراد مورد مطالعه صحیح است یا حرف دل آنها را می‌زند	ارتباط منطقی با قوانین دارد و برپایه واقعیات استوار است	تبیین درست	۵

بر پایه برهان دارای مقدمه طبیعی یا انسانی یا اجتماعی که در تعامل با شبکه هستی است.	توسط نظریه‌ها مشخص می‌شود که از احساسات اولیه، به عمق تغییرات نفوذ می‌کند	در متن تعاملات مستقیم با انسان‌ها و شرایط قرار دارد	بر پایه مشاهدات دقیق و تکرار پذیر برای دیگران استوار است	مدرک و شاهد معتبر	۶
ارزشها تابع قوانین و حقایق موجود در شبکه هستی قرار دارند.	هر علمی باید از موضعی ارزشی آغاز شود برخی مواضع درست و برخی نادرست	ارزش‌ها جزئی اساسی از حیات اجتماعی اند ارزش‌های هیچ گروهی غلط نیستند و فقط متفاوت اند	علم، فارغ از ارزش است و ارزش‌ها جز در انتخاب موضوع، جایگاهی ندارند	جایگاه ارزش‌ها تمایلات	۷
نظامی منطقی و قیاسی متشکل از تعریف‌ها، آگزیوم‌ها و قوانین به هم پیوسته چه در مورد پدیده چه در مورد ساختارها	نقدی که شرایط درست را آشکار ساخته، راه رسیدن به جهان بهتر را به مردم نشان می‌دهد	توصیف اینکه نظام معنایی گروه چگونه ایجاد شده و تداوم می‌یابد	نظامی منطقی و قیاسی متشکل از تعریف‌ها، آگزیوم‌ها و قوانین به هم پیوسته	چیستی نظریه	۸

### نتایج، آثار و لوازم پذیرش فرضیه:

۱. براساس پارادایم شبکه‌ای، دست‌یابی به یک دستگاه علمی و نظام فکری واحد منسجم در موضوعات مختلف و علوم مختلف، موجه و ممکن است.

۲. علوم انسانی اسلامی، در پارادایم شبکه‌ای موجه و ممکن است و پارادایم شبکه‌ای، نقطه شروع در تحول علوم انسانی است.

۳. **اجتهاد سیستمی** که ابزار تولید علوم انسانی اسلامی است، مبتنی بر پارادایم شبکه‌ای تعریف می‌شود. (بدون اجتهاد سیستمی، نمی‌توان فرآیندهای کلان موجود در گزاره‌های دین را کشف کرد.)

### ج- تولید دستگاه معرفتی: تعیین روش تحلیل و استنتاج (قاعده و قانون ترکیب مفاهیم و گزاره‌ها):

براساس مبانی فکری (پارادایم) و منشاء رویکردها، روش‌های تحقیق شکل می‌گیرند؛ مثلاً در پارادایم اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم و نگتیویسم) وقتی حقیقتی جز ظاهر محسوس مادی پدیده‌ها پذیرفته نشود، رویکردی غیر از رویکرد تجربی و روش تحقیق کمی اتخاذ نمی‌شود؛ در پارادایم تفسیری (تفهیمی) وقتی حقیقتی جز دیدگاه فردی افراد وجود ندارد، رویکردی غیر از رویکرد هرمنوتیکی و روش تحقیق‌های کیفی اتخاذ نمی‌شود و در پارادایم انتقادی، وقتی حقیقتی جز ساختارهای اجتماعی وجود ندارد، رویکرد استقرائی و میدانی و روش تحقیق ترکیبی اتخاذ می‌شود (ایمان، ۱۳۹۱)؛ براساس «پارادایم شبکه‌ای» چه روش تحقیقی موجه و معتبر است؟



اگر هستی، شبکه‌ای است آنگاه برای کشف آثار منجر به تغییر در موجودات (عملکرد تحقیق و هدف تحقیقات)، نیاز به ابزار «لایه-برداری» از موجودات و کشف روابط موجودات است؛ ماموریت علم فلسفه که علم «بررسی محمولات وجود» است، لایه‌برداری از ظاهر محسوس و غیردقیق در موجودات و نفوذ به منشاء آثار ظاهر شده از موجودات است تا نحوه ارتباطی آنها با یکدیگر آشکار شود و بتوان «حرکت و تغییر» را در آنها تبیین کرد. براین اساس می‌توان گفت: فلسفه، برای تحقیق در کلان هستی روش‌سازی می‌کند و این روش را می‌توان «روش تحقیق شبکه‌ای» نامید.

ابزارهای اصلی که می‌توان از فلسفه برای روش تحقیق اتخاذ کرد عبارتند از:

- ابزار تشخیص کلان ← اَسّ المطالب
  - ابزار تحلیل ماهیات ← مَقُولات عشر
  - ابزار کشف روابط بین ماهیات ← علل اربعه
  - ابزار ترکیب روابط بین ماهیات ← مَقُولات سته حرکت
- توضیح اجمالی: ۱۳

ابزارهای اصلی فلسفی که ماموریت «تحلیل وجودشناسانه»<sup>۱۴</sup> را به‌عهده دارند عبارتند از:

الف - «اَسّ المطالب = سوال از چیستی؟ سوال از واقعی بودن؟ سوال از چرایی؟ سوال از چگونگی؟»

ب - «علل اربع = سوال از عامل پدید آورنده (علت فاعلی)، سوال از جنس پدیده (علت مادی)، سوال از شکل و صورت و قالب پدیده

(علت صوری)، سوال از هدف تحقق پدیده (علت غایی)»<sup>۱۵</sup>

ج - «مَقُولات عشر = کم، کیف، زمان، مکان، اجزاء درونی، روابط بیرونی، نحوه اثرگذاری، نحوه اثرپذیری، موقعیت نسبت به

دیگر موضوعات، زمینه تحقق موضوع»<sup>۱۶</sup>

---

<sup>۱۳</sup> بخشی از تفصیل این بحث در کتاب «راهنمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام به علم و هستی»، تالیف عبدالحمید واسطی، نشر موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۱ ارائه شده است.

<sup>۱۴</sup> تحلیل وجودشناسانه یعنی دست‌یابی به مراحل تکون موضوع یا مفهوم، از بدیهیات تا رسیدن به مفهوم مورد نظر؛ مبنای اصلی این نحوه تحلیل بر چهار اصل زیر است:

۱. نفوذ به ذات از طریق آثار، حالات، صفات، ظهورات و روابط
۲. تولید تعریف با برقراری رابطه علت و معلولی میان مفاهیم؛ با استفاده از مدل «علل اربع»
۳. دقیق‌سازی تعریف با استفاده از ابزار «مَقُولات عشر» + ابزار «مَقُولات سته حرکت»
۴. کاربرد کردن تعریف، با استفاده از منطق سیستم‌ها = تعیین ورودی، خروجی، پردازش، نقطه شروع، مرکز ثقل، مراحل، نقاط بحران، جریان بهینه
- ۱۵ با توجه به جریان نظام علت و معلولی در عالم که ذهن را به سوی چراها سوق می‌دهد، فهرست حداقلی از سوالاتی که هنگام توجه به یک موضوع مطرح می‌باشد عبارتند از:

۱. چرا این‌گونه است؟ (سوال از علت اصلی)

۲. چگونه این‌طور شده است؟ (سوال از فعل و انفعالات، زمینه‌ها و مراحل)

۳. به چه هدف و منظوری؟ (سوال از غایت)

۴. مشکلات کجاست؟ (سوال از آنچه ندارد و باید داشته باشد یا عوامل مانع)

<sup>۱۶</sup> در فلسفه و منطق به شناسایی ابعاد ممکن در یک موضوع پرداخته شده و بحثی به نام «مَقُولات عشر» مطرح گردیده است. (ر.ک. نهاییه الحکمه، علامه

طباطبایی، فصل ششم، ص ۵۵، بحث مقولات عشر)؛ که ملخص بحث به‌صورت زیر است:

راه نفوذ ما به موضوعات و اشیاء از طریق آثار و خصوصیات آنها است. ذهن قدرت درک مستقیم جوهره اشیاء را ندارد و باید از طریق ادراک آثار و خصوصیات آن پی به سرمنشاء ببرد. آثار و کارکردهای اشیاء و موضوعات هستند که سبب رفع نیاز ما و حل مشکل می‌شوند، ارتباط ما با آنها به خاطر استفاده از آثار آنها است؛ آثار و کارکردهای اشیاء و موضوعات قابل تغییر هستند، می‌توان آنها را از بین برد یا تقویت و تشدید کرد یا اثری دیگر را بر موضوع بار کرد عصاره بحث «مقولات عشر» این است که اشیاء دارای ده خصوصیت هستند:

۱. جوهره و اصل وجود

۲. اندازه و مقدار

۳. چگونگی و کیفیت

۴. اجزاء و عناصر داخلی

۵. نسبت آن با دیگر اشیاء و موضوعات

۶. موقعیت زمانی

۷. موقعیت مکانی

۸. کلان بودن یا خرد بودن

۹. اثرپذیری

۱۰. اثرگذاری

برخی از این ده جنبه خود لایه‌های دیگری دارند که فهرست آنها این گونه است:

۱. جوهره و اصل وجود

• سرچشمه اصلی وجود شیء (خمیرمایه وجودی)

• آنچه به خمیرمایه اولیه شکل داده است

۲. اندازه و مقدار

• طول و عرض و عمق

• تعداد

۳. چگونگی و کیفیت

• قابلیت‌ها (آنچه می‌تواند باشد)

• خصوصیات ظاهری

• خصوصیات درونی

• اجزاء و عناصر داخلی

• موقعیت اجزاء نسبت به هم

• موقعیت اجزاء نسبت به خارج از شیء

۱. نسبت آن با دیگر اشیاء و موضوعات

• یکی هستند یا ضد هم هستند؟

• بخش‌هایی از اولی با بخش‌هایی از دومی مرتبط است؟

• آیا یکی نسبت به دیگری زمینه‌ساز است یا علت است یا معلول است؟ و...

۵. موقعیت زمانی

• گذشته

• حال

• آینده

۶. موقعیت مکانی

۷. کلان بودن یا خرد بودن، یا زمینه‌ساز بودن

۸. اثرپذیری (منفی یا مثبت)

۹. اثرگذاری (منفی یا مثبت)

معادل هر یک از جنبه‌های مطرح شده، سؤال خاصی وجود دارد:

۱. این موضوع از چه جنسی تشکیل شده است؟ (خمیرمایه آن چیست؟)

۲. هویت و شکل خاص آن چیست؟

۳. چقدر است؟

۴. در ظاهر چگونه است؟

۵. درون آن چه خصوصیتی دارد؟

۶. چه قابلیت‌هایی دارد؟

۷. چه اجزائی دارد؟

۸. اجزاء آن چه ارتباطاتی با هم دارند؟

۹. مجموعه اجزاء چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

۱۰. موقعیت این موضوع و جایگاه آن در هستی و در میان موضوعات دیگر چیست؟

۱۱. در گذشته چگونه بوده است؟

۱۲. الان در چه وضعیتی قرار دارد؟

۱۳. در آینده ممکن است چگونه باشد؟

۱۴. در چه مکانی قرار دارد؟

۱۵. آیا یک موضوع کلان و بنیادی است که موضوعات بسیار دیگری را تحت پوشش دارد یا یک موضوع خاص و در محدوده خود و تحت پوشش موضوعات

دیگر؟

۱۶. از چه چیزهایی اثر می‌پذیرد و چه اثرهایی و چه مقدار؟ و در چه موقعیت و زمان و مکانی و با چه قابلیت‌های بعدی؟

۱۷. بر چه چیزهایی اثر می‌گذارد؟ چه اثرهایی و چه مقدار؟ و در چه موقعیت و زمان و مکانی و با چه قابلیت‌های بعدی؟

۱۷. مقومات سته حرکت یعنی عوامل شش‌گانه‌ای که مقوله حرکت را ایجاد می‌کنند که عبارتند از: «متحرک، محرک، نقطه شروع حرکت جهت حرکت،

سرعت حرکت، نقطه پایان حرکت»

براساس این عوامل، می‌توان معادله حرکت تعریف کرد که عبارتست از: حرکت در ..... از ..... به ..... در مراحل ..... با

کمیت ..... و کیفیت ..... در زمان ..... در مکان ..... در ارتباط با ..... که توسط علت ..... شروع شده و

توسط علت ..... ادامه یافته است، و نقطه اوج آن ..... است تا به ..... برسد؛

یعنی: حرکت در چه ماده‌ای، از چه نقطه شروعی؟ به چه نقطه پایانی؟ با عبور از چه مراحل؟ با چه کمیت و کیفیت و زمان و مکان و وضعیت و جهتی؟

توسط چه علت فاعلی؟ و علت مبقیه‌ای؟ با حداکثر چه سقف قابلیت؟ با چه مرکز ثقلی؟ به چه غائی‌ای؟

هر مفهومی دارای منشاء‌ای است که پیدایش آن مفهوم از آنجا آغاز شده است، وجود منشاء و بحث پیدایش، ملازم با بحث «تغییر» و «حرکت» است،

مهم‌ترین قسمت در دست‌یابی به حقیقت یک موضوع، کشف «فرمول تغییر» و «معادله حرکت» آن است.

مجموعه موارد فوق را می‌توان در دستورالعمل زیر تجمیع کرد:

این فهرست را می‌توان به صورت زیر تدوین کرد: (فهرست مواردی که در یک موضوع‌شناسی و تولید شبکه مسائل آن باید ارائه شوند).

۱. تعریف نیاز توجه به موضوع و شفاف‌سازی آن (تبیین وضعیت موجود)

پارادایم شبکه‌ای + بسته مفاهیم پایه مرتبط با موضوع مورد نظر + روش تحقیق شبکه‌ای



دستگاه آکسیوماتیک برای تولید گزاره‌های مرتبط با موضوع

(دستگاه معرفت‌ساز شبکه‌ای)

در چنین دستگاه معرفت‌سازی، می‌توان بسته مفاهیم مرتبط با مثلاً آزادی، فرهنگ، سلامت، عدالت و ... را گذاشت و فرمول محاسبه آنها را نتیجه گرفت.

نمونه خروجی از دستگاه معرفتی: معادله «محاسبه شبکه‌ای»

مراحل تولید:

۱. شکل «شبکه هستی» را در نظر بگیر.

۲. تعریف اهداف (تعریف وضعیت مطلوب)

ا- تعیین هدف کلی و اساسی و ضریب اهمیت آن (اگر حاصل نشود چه تبعاتی دارد؟)

ب- تعیین اهداف میانی (اهدافی که بین وضعیت موجود و مطلوب قرار دارند و برای رسیدن به هدف نهایی زمینه سازی می‌کنند)

ج- تعیین زمینه اولیه (شرایط اولیه برای شروع حرکت به سوی اهداف فوق)

د- تعیین اجزاء درونی اهداف (تعریف متغیرهای درونی)

ه- تعیین کمیت و کیفیت عناصر فوق (از هر کدام چقدر و با چه کیفیتی؟ یعنی باید عناصر فوق به صورت قابل اندازه‌گیری تعریف شوند)

و- تعیین ضریب اهمیت هر یک از عناصر فوق

ز- تفکیک بین حداقل لازم (مقداری از هدف که به هیچ وجه قابل نظر نیست و باید حاصل شود) و حداکثر مطلوب

ح- تعیین اهداف منفی (آنچه نمی‌خواهیم و نباید بشود)

۳. تعریف ارتباطات (تعریف عناصر مرتبط با وضعیت موجود و اهداف مطلوب)

ا- چه چیزهایی سبب پیدایش نیاز و مشکل شده‌اند؟ ضریب تأثیر هر کدام در پدید آمدن مشکل چقدر است؟ (تشخیص سرچشمه‌ها)

ب- چه مسائلی در اثر این مشکل به وجود آمده‌اند؟ این مشکل، چه آثاری را ایجاد کرده است؟ بر چه نقاطی تأثیر گذاشته است؟ (تشخیص آثار و

نتایج)

ج- چه عناصری می‌توانند مفید باشند؟ ضریب مفید بودن هر یک چقدر است؟ (تشخیص امکانات)

د- چه عناصری می‌توانند مضر باشند و برای رسیدن به اهداف مانع ایجاد کنند؟ ضریب مانعیت هر یک چقدر است؟ (تشخیص موانع)

ه- بررسی فعل و انفعال هر یک از متغیرها با یکدیگر، یعنی کلیه ارتباطات محتمل عناصر درونی با هم، عناصر بیرونی با هم، عناصر درونی و بیرونی

نسبت به یکدیگر و کمیت و کیفیت اثرگذاری آنها بر یکدیگر مشخص شوند (تشخیص ارتباطات).

و- قوانین جاری در خلقت که سرمنشاء تک تک این ارتباطات هستند مشخص شده، فعل و انفعال این قوانین با یکدیگر تعریف شود (تشخیص

معادلات و قوانین حاکم بر ارتباطات).

ز- چه تغییراتی در این ارتباطات می‌توان ایجاد کرد؟ (بهبود امکانات)

ح- چه ارتباطات جدیدی را می‌توان ایجاد کرد؟ (توسعه امکانات)

ط- ایجاد تغییر عناصر و ارتباط آنها یا ایجاد عناصر و ارتباطات جدید چه آثار مثبت و منفی می‌تواند داشته باشد؟ (بررسی هزینه تغییر)

۲. روابط اصلی موجود در شبکه هستی را استخراج کن. (رابطه انسان با خود، با هم‌نوع، با محیط، با ماوراء، با تقویت‌کننده‌ها، با تضعیف‌کننده‌ها)

۳. اصل موضوعی زیر را که در بسته هستی‌شناسانه از بسته پارادایم شبکه‌ای موجود است در نظر بگیر: حرکت در شبکه هستی، «برآیندی» است. (خطی و براساس جمع جبری نیست). نتیجه (قضیه، تئورم شماره ۱)

معادله محاسبه شبکه‌ای عبارتست از:

برآیندگیری از روابط چهارگانه انسان در شبکه هستی

(با ملاحظه تشدید یا تضعیف حرکت)  
 به شرط تشدید یا تضعیف بردارهای روابط  

$$\text{حرکت در شبکه هستی} = f(a \wedge b \wedge c \wedge d) \wedge (\varphi \vee -\varphi)$$

نمونه دیگر برای خروجی از دستگاه معرفتی: معادله «مطلوبیت شبکه‌ای»

مراحل تولید:

۱. مدل نیازهای شبکه‌ای، مدل امکانات شبکه‌ای را در نظر بگیر.
۲. مفهوم «رشد» را از بسته مفاهیم پایه در نظر بگیر.
۳. مفهوم «خیر ذاتی» را از بسته مفاهیم پایه در نظر بگیر. (ملاحظه اتصال به بینهایت)
۴. مفهوم «مطلوبیت» را از ترکیب مفهوم «نیاز» و مفهوم «خیر» استنتاج کن.
۵. تئورم معادله محاسبه شبکه‌ای را در نظر بگیر و با مفهوم «مطلوبیت» ترکیب کن.
۶. نتیجه را با مدل‌نیازها و امکانات شبکه‌ای ترکیب کن.

نتیجه: (قضیه، تئورم شماره ۲)

معادله مطلوبیت شبکه‌ای عبارتست از:

برآیندگیری از نیازهای انسان در شبکه هستی، و منابع رفع نیاز در شبکه هستی،

به طوری که برآیند، موجب رشد با میل به بینهایت شود.

بردارهای روابط  
 توانایی نیاز  

$$\text{مطلوبیت در شبکه هستی} = f(N \wedge A) \wedge (a \wedge b \wedge c \wedge d) \wedge (\rightarrow \infty)$$

نمونه تفصیلی از این خروجی‌ها، در کرسی نظریه‌پردازی «عدل شبکه‌ای» ارائه شد و موفق به کسب رتبه نوآوری با امتیاز ۹۵ گردید.

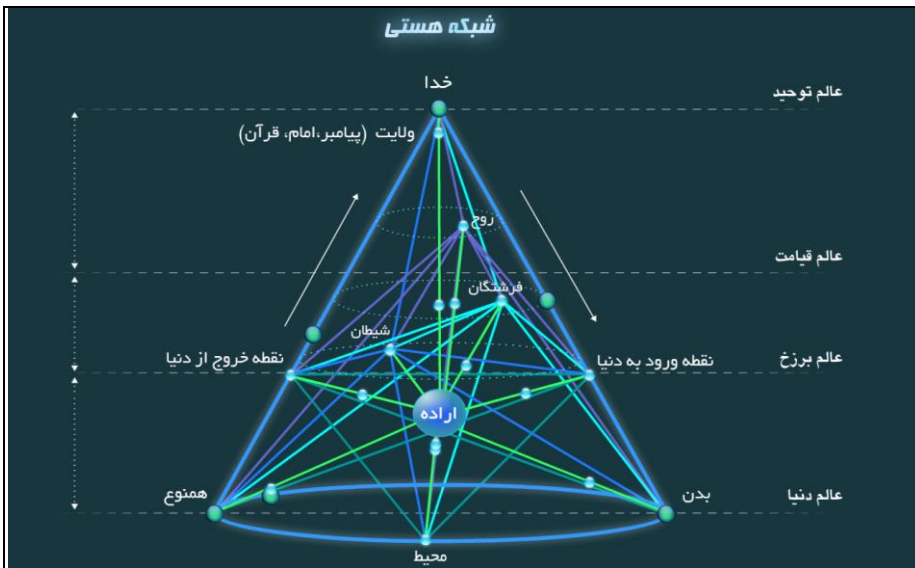
جدول تحلیل نظریه.....پارادایم شبکه‌ای.....

(باز تعریف طرحنامه، براساس قواعد نظریه پردازی)

سازه نظریه:

ردیف	سازه نظریه	محتوای نظریه
۱.	<p><b>متن نظریه</b> (عبارات اصلی بیان‌کننده فرضیه اصلی) و تصویر کلی از نظریه</p>	<p>پارادایمی که مولفه‌هایش از سازه کلان شبکه‌وار هستی، اخذ شده باشد پارادایم موجه، برای تولید علم دینی است.</p> <p><b>تصویر کلی از نظریه:</b></p> <p>براساس براهین ذکر شده در حکمت متعالیه، «هستی» به صورت یک نظام ذومراتب و بهم-پیوسته است که تمام موجودات در آن ارتباط دو طرفه تعاملی با یکدیگر دارند و هر حرکتی در هستی، برآیند تمام این تعاملات است.</p> <p>در این فضا، می‌توان «انسان شبکه‌ای»، «علم و معرفت شبکه‌ای»، «روش شبکه‌ای»، «ارزش شبکه‌ای» تعریف کرد و ترکیب آنها را به صورت یک بسته معرفتی زیرساختی که توان حل مساله و تولید نظریه دارد ارائه کرد ← «بسته پارادایم شبکه‌ای»</p> <p>و براساس این بسته، می‌توان نظریه‌های راهنما تولید کرد مانند: «جامعه شبکه‌ای»، «تاریخ شبکه‌ای» «حرکت و رشد شبکه‌ای»، «اهداف و نیازهای شبکه‌ای»، «حق شبکه‌ای»، «عدل شبکه-ای»، «دین شبکه‌ای» «دین شبکه‌ای» «توسعه شبکه‌ای»، «روان‌شناسی شبکه‌ای»، «اقتصاد شبکه‌ای» و ... تعریف کرد و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای آنها تعیین کرد.</p>
۲.	<p><b>مساله اصلی نظریه</b> (صاحب نظریه به حل چه مساله‌ای اهتمام ویژه دارد؟)</p>	<p>پارادایمی که مولد علم دینی باشد چگونه است؟ (به صورت یک دستگاه منطقی آکسیوماتیک)</p>
۳.	<p><b>مسائل فرعی نظریه</b> (صاحب نظریه به دنبال پاسخ‌گویی به چه مسائلی است؟)</p>	<p>۱. استخراج پاسخ سوال‌های زیر از حکمت متعالیه، و اخذ آنها به عنوان اصول موضوعه (Axiom)</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• سنگ اول در بنای معرفت چیست؟</li> <li>• عملگر اول در گسترش آگاهی چیست؟</li> <li>• هستی چه شکلی است؟</li> <li>• انسان چه شکلی است و موقعیت او در هستی چیست؟ و چه تاثیر و تاثیری با آن دارد؟</li> </ul>

<ul style="list-style-type: none"> <li>• واقعیت چیست؟</li> <li>• واقعیت‌ها چگونه کشف یا ساخته می‌شوند؟</li> <li>• این کشف‌ها چگونه اعتبارسنجی می‌شوند؟</li> <li>• عملکرد انسان در تولید واقعیت چیست؟</li> <li>• عملکرد جمعی انسان‌ها در تولید واقعیت چیست؟</li> <li>• این عملکردها چگونه اعتبارسنجی می‌شوند؟</li> <li>• واقعیت‌ها و عملکردهای انسان چگونه قابل تغییر هستند؟</li> <li>• شکل نیازهای انسان چگونه است؟</li> <li>• آیا هدف نهایی برای هستی و انسان وجود دارد؟</li> <li>• آیا راه برای رسیدن به آن وجود دارد؟</li> <li>• معادله کلان حرکت انسان در هستی چیست؟</li> </ul> <p>۲. استخراج روش ترکیب این اصول موضوعه از حکمت متعالیه، برای انتاج یک گزاره جدید</p> <p>۳. یک نظریه چیست و چگونه تولید می‌شود؟ (با تاکید بر زیرساخت‌های لازم و کافی)</p> <p>۴. یک نظریه دینی چیست و چگونه تولید می‌شود؟</p> <p>۵. یک دستگاه علمی و یک رشته از علم، چگونه تولید می‌شود؟ و طبقه‌بندی پیدا می‌کند؟</p> <p>۶. اثبات لزوم و کفایت اصول موضوعه فوق و روش فوق، برای تولید نظریه‌ها در علوم</p> <p>۷. جدول تطبیقی این بسته پارادایمی با دیگر پارادایم‌های مطرح در علوم</p>		
<p style="text-align: center;"><b>حکمت متعالیه</b></p> <p>(یعنی تاثیر مبانی حکمت متعالیه در نوع دیدگاه به شبکه هستی (نظام العالم) و نوع تعریف در مفاهیم بنیادی؛ (نقطه مرکزی تمایز این دستگاه فلسفی با دیگر دستگاه‌های فلسفی، بحث «صرف الوجود» و لوازم برهانی آن است که براساس تحلیل‌های وجودشناسانه تلاش برای جمع میان برهان عقلی، شهود قلبی و وحی الهی در اسلام کرده است).</p> <p>تحلیل‌های وجودشناسانه = تعیین نقطه مختصات یک موجود در کل شبکه هستی (نظام العالم)</p>	<p style="text-align: center;"><b>بستر معرفتی نظریه</b></p> <p>(نظریه و صاحب‌نظریه از چه نظریات یا افکاری اشراق شده‌اند؟)</p>	<p style="text-align: center;">۸.</p>
<p style="text-align: center;"><b>شکل شبکه هستی</b></p> <p>«شبکه» = مجموعه بهم‌مرتبط از سیستم‌ها که به صورت برآیندی (جمع برداری)، برای تحقق هدفی فعالیت دارند. (شبکه، یک ابرسیستم است)</p>	<p style="text-align: center;"><b>چهارچوب معرفتی حاکم بر نظریه</b></p> <p>(دال مرکزی حاکم بر نظریه؟)</p>	<p style="text-align: center;">۹.</p>



### روش تحقیق مبتنی بر پایه‌های منطق ارسطویی

کتابخانه‌ای و میدانی نیست، بلکه تحلیل مفهومی است که با ابزارهای تحلیل و ترکیب متخذ از فلسفه، صورت پذیرفته است تا منشاء انتزاع حقیقی مفاهیم به کار رفته در مباحث، کشف و صورت-بندی (مدل) شوند.

### چهارچوب روشی حاکم بر نظریه

(روش‌هایی برای تعریف، توصیف، تفسیر و تبیین؟)

.۱۰

توجه به ضرورت نظریه‌پردازی در «چیستی چرایی و چگونگی علم دینی» سبب تولید فکر توسط افراد معاصری مانند نقیب العطاس، اسماعیل فاروقی، ضیاءالدین سردار، جابر العلوانی، مهدی گلشنی، خسرو باقری، عبدالحسین خسروپناه، آیت‌الله جوادی آملی، مهدی میرباقری، حسین بستان، حسین سوزنچی، سیدرضا حسنی، و... گردید.

ورود به فضای تشخیص چیستی و چرایی، سبب ورود به مبادی تصویری و تصدیقی و مبانی بحث گردید؛ و به تدریج مطالب ارائه شده در سرفصل‌هایی مانند مبانی هستی‌شناسی، انسان-شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی... شکل گرفت.

نام‌گذاری و احصاء این مبانی به صورت یک بسته علمی، توسط تامس کوهن، صورت گرفت و اصطلاح «پارادایم» در گفتگوهای این‌چنینی رایج شد.

اندیشمندانی که مدافع علم دینی بودند تلاش کردند تا با نقد پارادایم‌های حاکم بر علوم دنیای مدرن، «امکان علم دینی» را به اثبات برسانند؛ لذا مباحثی مانند نقد پارادایم اثبات‌گرا، پارادایم

### پیشینه نظریه

(چه نظریاتی قبلاً در این عرصه عرضه شده است؟)

.۱۱



<p>تفسیر تفهومی، پارادایم انتقادی با زیرشاخه‌های آنها مطرح گردید.</p> <p>پس از مدتی، ملموس شد که تا روابط میان این مبادی و مبانی و چگونگی استنتاج از آنها برای تولید گزاره جدید، عرضه نشود سطح مباحث در کلیات و تحلیل‌های مفهومی باقی خواهد ماند و مساله‌ای حل نخواهد شد، لذا تلاش برخی از اندیشمندان به سمت تولید مدل معرفتی سوق پیدا کرد. (مدل حکمی اجتهادی آقای خسروپناه، نظریه ابتناء آقای رشاد، پارادایم دانش اجتهاد دینی آقای حسنی، روش استقرائی قیاسی آقای بستان و رئالیسم مفهومی خلاقانه آقای ایمان)</p> <p>اغلب این مدل‌ها، یک رتبه بعد از «پارادایم‌ها» بودند و در مباحث مقدماتی خود، گزاره‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، روش‌شناسانه و ارزش‌شناسانه خود را فهرست کرده بودند تا به مبادی و مبانی اشاره شده باشد. اما هیچکدام دالّ مرکزی‌ای را که سبب متمرکزسازی و منسجم‌سازی و دست‌یابی به نقطه شروع و مرکز ثقل برای ایجاد امتداد معرفتی است، معرفی نکردند یا به‌اشاره و ضمنی عرضه کردند.</p> <p>و در حال حاضر، به جز نظریه «پاد» و مدل «حکمی اجتهادی» که هر دو در حقیقت «پارادایم اجتهادی» هستند بسته پارادایمی دارای نام و نشان برای علم دینی وجود ندارد و این‌دو نیز هنوز به چگونگی امتدادگیری و کارآیی برای حل مساله‌ها نرسیده‌اند.</p>		
<p>این نظریه، یک نظریه «شبکه‌گرا» و مبتنی بر ترکیب «معادلات حرکت در شبکه هستی» است لذا کلیه دیدگاه‌های زیر رقیب این نظریه محسوب می‌شوند:</p> <p>«پارادایم اثبات‌گرا، پارادایم تفسیری تفهومی، پارادایم انتقادی»</p> <p>و هم‌چنین کلیه تلاش‌های معرفتی برای توصیف، تفسیر و تبیین مبادی و مبانی علم دینی و علوم انسانی اسلامی، که به‌صورت یک دستگاه معرفتی استنتاجی عرضه نشده‌اند و دالّ مرکزی خود را تعیین نکرده‌اند، مانند: نظریه ابتناء، مدل حکمی اجتهادی، پارادایم دانش اجتهاد دینی، رئالیسم مفهومی خلاقانه</p>	<p><b>رقباء نظریه</b></p> <p>(افکار و نظریاتی که همگرا با این نظریه نیستند یا مخالف محسوب می‌شوند)</p>	<p>۱۲.</p>
<p>۱. پارادایم = الگوی معرفتی حاکم بر نظریه‌ها؛ نظام فکری که نظریه‌ها را تولید می‌کند؛ برآیندی که از مجموعه فرایندها در مورد هستی، انسان، آگاهی و روش حاصل می‌شود و یک گرانیگاه پیدا می‌کند که بیشترین اثر را در شکل‌دهی نظریه‌هایی متفاوت از قبل دارد و به نام آن گرانیگاه مشهور می‌شود.</p> <p>۲. شبکه هستی = اشاره به کل «عالم وجود» با روابطی که میان موجودات برقرار است. (رویکرد فلسفی نظام العالم)</p>	<p><b>تعاریف موجود در نظریه</b></p> <p>(چه تعاریفی در نظریه ذکر شده است؟)</p>	<p>۱۳.</p>

۲. **مقیاس شبکه هستی** = بررسی یک پدیده در موقعیتی که با کل عالم وجود ارتباط برقرار کرده است.
۳. **حق (به عنوان یک امر وجودی)** = وجود ثابت مستقل و خودبنیاد.
۴. **معرفت و آگاهی** = کشف حق؛ باور صادق موجه
۵. **روش** = چگونگی تحلیل و ترکیب حقایق (یا اعتباریات مبتنی بر حقایق) برای کشف یا تولید حقیقت یا اعتبار جدید
۶. **حق (به عنوان یک امر ارتباطی میان پدیده‌ها)** = توانمندی که هر پدیده برای رسیدن به کمال خود و قرار گرفتن در جایگاه خود در هستی لازم دارد. و اگر این توانمندی را داشت، مفهوم «شایستگی» تولید می‌شود یعنی حق اوست که به عنوان منبع رفع نیاز قرار گیرد.
۷. **خیر** = تاثیر مثبت یک عامل، برای رسیدن به هدف؛ و خیر ذاتی (مطلوب خودبنیاد) = وقتی که هدف، بینهایت و نامحدود باشد. (بینهایت = لازمه صرف الوجود بودن، وجود بدون تعیین)
۸. **نیاز** = احساس تمایل و کشش به سوی داشتن چیزی در خود (اتحاد وجودی با منبع رفع نیاز)
۹. **امکانات** = منابع رفع نیاز
۱۰. **کمال** = به فعلیت رسیدن تمام ظرفیت وجودی یک چیز؛ و کمال مطلق = وجود بینهایت
۱۱. **سعادت** = دستیابی به لذت جامع و پایدار (با میل به بی‌نهایت) ← سعادت = اتصال به وجود بینهایت
۱۲. **رشد** = خروج مستمر از محدودیت‌های ادراکی و اراده‌ای و حرکت به سوی علم، قدرت و حیات بینهایت
۱۳. **معادله** = تعیین کمیت، کیفیت و جهت رابطه بین متغیرهای مختلف برای تحقق یک اثر
۱۴. **تابع** = دقیق‌سازی نحوه تبعیت یک یا چند متغیر از یک یا چند متغیر دیگر با تعیین کمیت و کیفیت و جهت و بُعد ارتباطی میان آنها
۱۵. **معادلات حرکت انسان در شبکه هستی** = تعیین کمیت و کیفیت و جهت و زمان و مکان و ... در ارتباطات انسان در شبکه هستی به طوری که برآیند آنها حرکت به سوی هدف مورد نظر شود.
۱۶. **پایداری** = عدم تاثیرپذیری از متغیرهای تضعیف‌کننده و ایجاد شرایطی که عوامل یک سیستم بتوانند بدون اختلال به ایجاد اثر مورد نظر بپردازند. (بقاء در محور عامل، اجزاء، روابط، منابع، هدف، زمان، مکان، کمیت، کیفیت، اثرگذاری)
۱۷. **دال مرکزی** = دال مرکزی اصطلاحی در منظومه گفتمانی است، اما در اینجا عاریه گرفته شده است برای «مولفه‌ای که نیروی جاذبه آن، دیگر مولفه‌های درونی یک سیستم را به خود جذب می‌کند و به آنها معنا و هویت می‌بخشد.»

<p>پارادایمی که مولفه‌هایش از سازه کلان شبکه‌وار هستی، اخذ شده باشد</p> <p>پارادایم موجه، برای تولید علم دینی است.</p> <p>۱. شبکه هستی، برآیند روابط طیفی میان عوالم و نیروهای مثبت و منفی در آنهاست و هر حرکتی در آن، نیازمند تنظیم پایدار خود با کل این روابط است.</p> <p>۲. پایداری، در مقیاس شبکه هستی محاسبه می‌شود با میل به بینهایت مرتبط می‌شود (برقراری ارتباط میان پدیده‌ها و ابدیت)</p> <p>۳. روابط چهارگانه اصلی در شبکه هستی (رابطه با خود (جسم، فکر، روح)، محیط (جاندار و جماد)، همنوع (خانواده، فامیل، همسایه، همشهری، هم‌وطن، بین‌الملل، بین‌نسلی)، عوالم فوقانی (عوامل موثر در قبض و بسط امور در دنیا)) ضریب و وزن دارند و برآیندی هستند. (وزن آنها براساس میزان تاثیر در رشد پایدار (اتصال به ابدیت مطلوب) محاسبه می‌شود.)</p>	<p><b>توصیف‌های موجود در نظریه</b></p> <p>(قیود و شرایط هر یک از موضوع و محمول و نسبت)</p>	<p>۱۴</p>
<p>سطح یک روابط: (روابط میان محورها)</p> <p>۱. شبکه‌ای بودن هستی، انسان را در شبکه قرار می‌دهد.</p> <p>۲. شبکه‌ای بودن انسان، مقیاس بررسی جسم و ذهن و روح او را در شبکه قرار می‌دهد.</p> <p>۳. معرفت‌شناسی شبکه‌ای، روش‌شناسی شبکه‌ای، مولود انسان شبکه‌ای است.</p> <p>۴. این نسبت در مقیاس روابط چهارگانه در کل شبکه هستی سنجیده می‌شود.</p> <p>۵. این سنجش، سبب تولید معادلات حرکت انسان و دیگر پدیده‌ها در مقیاس شبکه هستی می‌شود.</p> <p>سطح دو روابط: (روابط درون محورها)</p> <p>۱. نیاز هر فرد یا جمع و در هر حوزه‌ای (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ...)، در هرم نیازها در مقیاس شبکه هستی، <u>مختصات یابی</u> می‌شود. (تعیین علل اربع آن نیاز، تعیین عوارض تسعه<sup>۱۸</sup> آن نیاز، مقومات سته<sup>۱۹</sup> آن نیاز، که مجموعاً وزن و ضریب اهمیت آن را نشان خواهد داد)</p> <p>۲. هر منبع و امکاناتی، در نقشه منابع و امکانات در مقیاس شبکه هستی، <u>مختصات یابی</u> می‌شود. (تعیین علل اربع آن، تعیین عوارض تسعه<sup>۲۰</sup> آن، مقومات سته<sup>۲۱</sup> آن، که مجموعاً وزن و ضریب اهمیت آن را نشان خواهد داد)</p> <p>۳. هدف مورد نظر در هر حوزه‌ای (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ...)، در شبکه اهداف <u>مختصات یابی</u> می‌شود. (اولویت‌بندی شده و وزن داده شده و ترتیب علی یافته)</p> <p>۴. رشد حداقلی و حداکثری در هر حوزه‌ای براساس شبکه <u>اهداف</u> <u>مختصات یابی</u> می‌شود. (تعیین شاخص‌های تحقق رشد حداقلی و حداکثری)</p> <p>۵. براساس روابط چهارگانه در شبکه هستی، متغیرهای نیاز، منابع، اهداف، رشد، در تمام روابط چهارگانه نیاز به ورودی دارند. (تشکیل ماتریس داده‌های متناسب با هر موضوعی،</p>	<p><b>روابط موجود در نظریه</b></p> <p>(چه روابطی بین متغیرهای مختلف در نظریه آمده است؟)</p>	<p>۱۵</p>

<sup>۱۸</sup> زمان، مکان، کمیت، کیفیت، اجزاء، روابط، زمینه، میزان اثرگذاری و اثرپذیری

<sup>۱۹</sup> نقشه شروع، مرکز ثقل، جهت حرکت، مراحل تحقق، سرعت تحقق، نقطه پایان

<sup>۲۰</sup> زمان، مکان، کمیت، کیفیت، اجزاء، روابط، زمینه، میزان اثرگذاری و اثرپذیری

<sup>۲۱</sup> نقشه شروع، مرکز ثقل، جهت حرکت، مراحل تحقق، سرعت تحقق، نقطه پایان

<p>برای ورود به متغیرهای فرمول مورد نظر)</p> <p>۶. هدف مورد نظر در هر حوزه‌ای (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ...)، در شبکه اهداف مختصات‌یابی می‌شود. (اولویت‌بندی شده و وزن‌داده شده و ترتیب علی یافته)</p> <p>۷. تعیین و فعال‌سازی منبع مختصات‌یابی شده، برای اثرگذاری در رفع نیاز مختصات‌یابی شده، به طوری که سبب حصول رشد مختصات‌یابی شده گردد (در هر حوزه‌ای از سیاست، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد... به حسب خودش)، «معادلات پایه علوم انسانی اسلامی» را تولید می‌کند.</p> <p>(این گونه معادله، رشد محور است، در هرم نیازها و امکانات و اهداف معنادار است و قابل محاسبه فرمولی است.)</p>		
<p>حق و امکانات، ذوابعاد و ذومراتب و در مقیاس شبکه هستی است <math>P'_1</math> → هستی شبکه‌ای است <math>P_1</math></p> <p>معرفت و آگاهی، نیازها، در مقیاس شبکه هستی است <math>P'_2</math> → انسان شبکه‌ای است <math>P_2</math></p> <p>روش تحقیق و رشد، در مقیاس شبکه هستی است <math>P'_3</math> → حرکت در شبکه هستی، برآیندی است <math>P_3</math></p> <p>رشد، مطلوب است (حق موجودات است) <math>P_4</math></p> <p>دسترسی به امکانات سبب برطرف شدن نیازها است <math>P_1 + P_2</math></p> <p>دسترسی به امکانات و رفع نیازهایی که سبب رشد در مقیاس شبکه هستی شود اعطاء حق است</p> <p>اعطاء حق، سبب تعادل در امور انسانی می‌شود <math>P_3</math></p>	<p><b>تبیین‌های موجود در نظریه</b></p> <p>(چه استدلال‌هایی در نظریه ذکر شده است؟)</p>	<p>۱۶.</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نقاط ارتباطی وحدت (یکپارچگی هستی با اتصال به بینهایت)، با کثرات</li> <li>• قرار گرفتن انسان و نیازهای او، طبیعت و امکانات آن، اهداف و رشد انسان، در مقیاس شبکه هستی</li> <li>• برآیندی بودن این متغیرها (ضرورت تشکیل ماتریس متغیرهای فوق)</li> <li>• وجود مراتب و سطوحی برای تحقق حرکت مثبت در هستی</li> </ul>	<p><b>تفسیرهای موجود در نظریه</b></p> <p>(چه اجزاء و روابط پنهانی در نظریه، آشکارسازی شده است؟)</p>	<p>۱۷.</p>
<p>در تحلیل‌های موجود در فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، برای شکل‌گیری یک نظام اخلاقی عادلانه، نظام حقوقی عادلانه، نظام سیاسی عادلانه، چنین متغیرهایی با روابط میان آنها دیده می‌شوند و هر مکتبی براساس دال مرکزی خودش، این متغیرها</p>	<p><b>توجیه‌های استفاده شده در نظریه</b></p> <p>(مثال‌ها و شواهد صدق به کاررفته در نظریه)</p>	<p>۱۸.</p>

<p>را تعریف کرده است.</p>		
<p>۱. با تعیین <u>مصادق</u> نیاز، منبع رفع نیاز، هدف مورد نظر، رشد مورد نظر در هر حوزه از موضوعات، می‌توان براساس محاسبه ریاضی، صدق یا کذب یک نظریه در علوم انسانی را تعیین کرد.</p> <p>۲. انحصار به انسان ندارد، محیط‌زیست و کلیه موجودات مرتبط با زندگی انسان را نیز در برمی‌گیرد.</p> <p>۳. شاخص «هر چیزی حداقل باید به اندازه نیازهای ضروری‌اش، بهره‌بردار و نباید بیش از توانش از او خواسته شود» را در بردارد.</p> <p>۴. به شاخص فوق محدود نشده و به شاخص «حرکت به سوی رشد و کمال» نیز توسعه یافته است.</p> <p>۵. شاخص «به‌فعلیت درآمدن قوا و استعدادها» را ارائه کرده است.</p> <p>۶. میان نیازهای صادق و کاذب، قوای مثبت و منفی تمایز داده است.</p> <p>۷. حق‌محور است و تقدم «حق» بر «خیر» را ملاک قرار می‌دهد. (یعنی چیزی خیر است که حق‌مدار باشد).</p> <p>۸. ضرورت توازن میان رعایت حقوق فرد و حقوق جمع را ارائه نموده است.</p> <p>۹. احساس‌های حقیقی<sup>۲۲</sup> را می‌پذیرد و معیار آزمون قرار می‌دهد.</p> <p>۱۰. قواعد و قوانین طبیعت را می‌پذیرد و آن را یکی از معیارهای محاسبه قرار می‌دهد.</p> <p>۱۱. به آثار عملی موضوعات توجه می‌کند و آن را یکی از معیارهای محاسبه قرار می‌دهد.</p> <p>۱۲. به نتایج نهایی موقعیت‌ها توجه می‌کند و آن را یکی از معیارهای محاسبه قرار می‌دهد.</p> <p>۱۳. به محاسبات عقلانی در تشخیص عدالت توجه دارد و آن را یکی از معیارهای محاسبه قرار می‌دهد.</p> <p>۱۴. به اراده برتر از انسان توجه می‌کند و معادلات حرکت تعیین شده از طرف او را می‌پذیرد.</p> <p>۱۵. به کلیه منابع و امکانات در اختیار بشر توجه دارد، مانند «دانش، قدرت، ثروت، منزلت و روابط،.....»</p> <p>۱۶. نحوه عملکرد در تعارض‌ها و تزاخم‌ها را تبیین می‌کند.<sup>۲۳</sup></p>	<p><b>لوازم منطقی نظریه</b> (دلالت‌های التزامی نظریه)</p>	<p>۱۹.</p>
<p>از آنجایی که هستی‌شناسی زیرساخت کلیه حوزه‌های حکمت عملی است، و علمی که <u>خروجی‌های رفتاری</u> دارند به دنبال تعادل‌های رفتاری هستند، لذا شبکه‌ای بودن هستی و انسان و معرفت و روش، سبب ایجاد رویکردهایی مانند سیاست شبکه‌ای، حقوق شبکه‌ای، اخلاق شبکه‌ای، توسعه و پیشرفت شبکه‌ای، نظریات جامعه‌شناسانه شبکه‌ای، نظریات اقتصادی شبکه‌ای شود.</p>	<p><b>نتایج معرفتی نظریه</b> (چه تاثیری در چه فضای علمی ایجاد می‌کند؟)</p>	<p>۲۰.</p>

<sup>۲۲</sup> احساس حقیقی = احساس نوعی دارای منشاء انتزاع واقعی (نه احساس شخصی و ذهنی)

<sup>۲۳</sup> در این فضا، مدل موجود در دانش فقه و حقوق، و تبیین‌های موجود در دانش اصول فقه و فلسفه حقوق، کفایت لازم را دارد.

<p>کاربردی شدن این نظریه نیازمند توصیف تفصیلی مدل نیازهای شبکه‌ای، مدل امکانات شبکه‌ای، مدل رشد شبکه‌ای + تعیین وزن برای متغیرهای دخیل در معادله حرکت شبکه‌ای است.</p>	<p><b>روش گسترش نظریه</b> (آیا صاحب نظریه، اشاره به شیوه تکمیل و بازسازی نظریه کرده است؟)</p>	<p>۲۱.</p>
<p>۱. اگر کسی اثبات کند که هستی، یک شبکه برآیندی از نیروهای موجودات نیست، این نظریه باطل می‌شود          ۲. اگر کسی اثبات کند که حرکت انسان در هستی، برآیندی از تمام ارتباطات او با متغیرهای موجود در هستی نیست، این نظریه باطل می‌شود          ۳. اگر کسی ثابت کند که معادلات حرکت انسان با <u>رشد انسان</u> ارتباطی ندارد این نظریه باطل می‌شود.          ۴. اگر کسی ثابت کند که نیازها، امکانات، اهداف و رشد، به صورت شبکه مرتبط با هم قابل تعریف و محاسبه نیستند، این نظریه باطل می‌شود.          ۵. اگر کسی ثابت کند که با هیچ روش تحقیقی نمی‌توان هرم نیازها، امکانات، اهداف و رشد، را به صورت موجه (دارای اعتبار روش‌شناختی) تعیین کرد یا نمی‌توان در حیطه‌های مختلف از موضوعات، مصادیق نیازها، امکانات، اهداف مرتبط با آن حیطه را، تشخیص داد، یا نمی‌توان بیطرفانه عمل کرد، این نظریه کارآیی عملی نخواهد داشت.</p>	<p><b>روش ابطال نظریه</b> (چه بشود این نظریه باطل می‌شود؟)</p>	<p>۲۲.</p>
<p><b>مثال و تطبیق بر روی «عدل»:</b></p> <p><b>آیا قانون X عادلانه است؟</b></p> <p>پاسخ: هر قانونی، الزام <u>فعال‌سازی</u> منبع و امکاناتی برای رفع نیازی است (چه به صورت «فعل» و چه به صورت «ترک»)، براساس عدل شبکه‌ای اگر موارد زیر در آن رعایت شده بود می‌توان گفت عادلانه است:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• صادق بودن آن نیاز، گستره و عمق آن و ضریب اهمیت آن نسبت به نیازهای دیگر محاسبه شده باشد.</li> <li>• فحوص جامع نسبت به منابع قابلیت‌دار برای رفع نیاز صورت گرفته باشد. (در مقیاس شبکه هستی)</li> <li>• واقعی بودن آن امکان، ضریب تاثیر آن در رفع نیاز مورد نظر، محاسبه شده باشد.</li> <li>• امکان دسترسی لازم به آن منبع محاسبه شده باشد.</li> <li>• نوع تاثیر و ضریب تاثیر فعال‌سازی آن منبع، بر دیگر موجودات محاسبه شده باشد.</li> <li>• نوع تاثیر و ضریب تاثیر فعال‌سازی آن منبع، بر قوانین قبلی محاسبه شده باشد</li> <li>• میزان ماندگاری و پایداری قانون مورد نظر محاسبه شده باشد،</li> </ul> <p><b>نتیجه:</b> اگر نیاز مورد نظر، غیرقابل صرف‌نظر برای حداقل لازم در رشد مخاطبین آن قانون، در</p>	<p><b>آزمون «کفایت و قابلیت انتاج» نظریه</b> (بررسی قدرت تفسیر، تبیین و توجیه و تولید شواهد)</p>	<p>۲۳.</p>

حوزه مورد نظر (جزایی، مدنی (خانواده، تجاری، ...)، اساسی، مصوبات دولت، ... است، و اگر منبع دیده شده برای رفع آن نیاز، قابلیت واقعی برای رفع نیاز را دارد و امکان دسترسی و فعال سازی آن منبع درباره زمانی وجود آن نیاز، برای مخاطبین قانون وجود دارد و الزام به فعال سازی آن، تاثیر معنادار منفی بر حق دیگر موجودات (در روابط چهارگانه در شبکه هستی) و تاثیر معنادار منفی بر دیگر قوانین ندارد، آنگاه قانون X عادلانه است.

#### فرآیند محاسبه و تحقق «عدالت» (براساس پارادایم شبکه‌ای)

۱. مرحله یک (تعیین ورودی‌ها): جدول نیازها و جدول امکانات مرتبط با موضوع مورد نظر و جدول اهداف مرتبط با موضوع را تهیه کن.
۲. مرحله دو (تعیین خروجی = هدف): تعیین کن که دقیقاً در اثر رفع نیاز مورد نظر، چه اثری باید ایجاد شود؟ (با ذکر عوارض تسعه یعنی تعیین زمان (متی)، مکان (این)، کمیت (کم)، کیفیت (کیف)، اجزاء درونی (وضع)، روابط بیرونی (اضافه)، زمینه لازم (جده)، نحوه اثرگذاری (فعل)، نحوه اثرپذیری (انفعال))
۳. مرحله سه (تعیین پردازش):
  - ا. صادق یا کاذب بودن نیاز مورد نظر را بررسی کن.<sup>۲۴</sup> (یا صدق ضریب اهمیت آن نیاز را در این موضوع و این موقعیت)
  - ب. روابط نیاز مورد نظر را با نیازهای دیگر بررسی کن و وزن بده. (اثرگذاری یا اثرپذیری از یکدیگر و میزان آن)
  - ج. کلیه منابع و امکاناتی که احتمال دارد بتوانند این نیاز را در این موقعیت برطرف کنند تشخیص بده.
  - د. منبع و امکانات بهینه را از بین احتمالات فوق تشخیص بده. (ضریب تاثیر فعال شدن آنها بر دیگر موجودات در دراز مدت باید محاسبه شود)
  - ه. کیفیت فعال سازی منبع و امکانات فوق را تشخیص بده.
  - و. زمینه لازم برای فعال سازی منبع مورد نظر را فراهم کن.
  - ز. زمینه لازم برای برقراری ارتباط میان منبع فعال شده با نیاز مورد نظر را فراهم کن. (اعم از ارائه اطلاعات و دانش لازم، یا رفع موانع)
  - ح. فرد یا جمع مورد نظر را متوجه قرار گرفتن در موقعیت فوق کن ← عدالت ورزیده‌ای.<sup>۲۵</sup>

<sup>۲۴</sup> یکی از راه‌های تشخیص صادق یا کاذب بودن نیاز، مشاهده و استقراء وضعیت «پایه» است؛ وضعیت «پایه» یعنی هیچ‌گونه محرک خاصی از بیرون به افراد وارد نشود و افراد در یک وضعیت با اصالت طبیعی خود قرار گیرند. (بخشی از نظریه عدالت قراردادی «رالز» و دال مرکزی آن که «انصاف» است، به این حالت پایه اشاره دارد که به آن «وضع اصیل یا original position» می‌گویند. (ر.ک. واعظی احمد، **نقد و بررسی نظریه‌های عدالت**، موسسه امام خمینی، ص ۲۶۱)

<sup>۲۵</sup> «دیاس» از متفکران حوزه عدالت، در فرآیند تحقق عدالت چنین گفته است: رعایت حق در تخصیص منابع، ممانعت از سوء استفاده از قدرت و آزادی، رعایت حق در اختلافات و منازعات، رعایت حق در تغییرات. (ر.ک. جهانیان ناصر، **نظریه جامع عدالت**، ص ۱۰۴)

### تمایز این ایده با دیگر نظریات عدالت:

در هیچیک از نظریات عدالت:

۱. ضرورت تشکیل ماتریس «نقشه نیازها، منابع، اهداف، رشد» مشخص نیست.
  ۲. مقیاس تشخیص نیازها، منابع، اهداف و رشد، کل شبکه هستی نیست.
  ۳. فرمولی برای محاسبه و مقداردهی در متغیرها برای تحقق عدالت ارائه نشده است.
  ۴. فرآیند قدم‌به‌قدم برای تحقق عدالت ذکر نشده است.
- تطبیق این عام فوقانی (به‌عنوان یک نظریه راهنما) بر مصادیق در حوزه‌های خاص، نیازمند تولید نظریه خاص مربوط به آن حوزه است مانند نظریه مربوط به فلسفه مجازات در حقوق جزایی، نظریه مربوط به رفتار مصرف‌کننده در اقتصاد، نظریه مربوط به فلسفه حکومت در سیاست. که این نظریات مبتنی بر تحلیل‌های وجودشناسانه یا معرفت‌شناسانه یا ارزش‌شناسانه، در هر حوزه‌ای تعیین‌کننده مصداق نیاز، امکانات، اهداف و مراحل رشد است.
- در عدالت مبتنی بر آموزه‌های اسلام، هرم نیازها، امکانات و منابع، اهداف، مراحل رشد، از دین گرفته می‌شود یا با دین اعتبارسنجی می‌شود (قبض و بسط نیازها، امکانات، اهداف و مراحل رشد) و در هر حوزه خاص (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ..) مصادیق خاص مربوط به آن حوزه نیز از دین گرفته شده یا با دین اعتبارسنجی می‌شود. (تعیین مصداق، تعیین وزن و ضریب اهمیت، تعیین مراحل، تعیین روابط)



نظر کمیته داوران:

امضاء دبیر کمیته داوران:

نظر دبیرخانه هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره

امضاء دبیر هیات